روزشمار کشتار در کردستان (بخش سوم)
(آبان ۱۳۵۸ تا تیر ۱۳۵۹)

منتشر شده در سایت ایدون
https://idoun.net
آذر ۱۴۰۵

مؤلف: امضا محفوظ

تذکر اول: *همان‌طور که در بخش پیشین این روزشمار گفته شد، در مرداد ماه ۱۳۵۸ با تصویب لایحه مطبوعات، اختناق و سانسور بیش از پیش بر رسانه‌های رسمی کشور حاکم شد. با توقیف روزنامه آیندگان و روزنامه پیغام امروز در مرداد ماه و با توجه به اینکه کنترل روزنامه اطلاعات از همان اسفند ۵۷ به نیروهای حاج مهدی عراقی سپرده شده بود و روزنامه کیهان هم از اردیبهشت ماه به بنیاد مستضعفان واگذار شده بود، دوران آزادی‌های نیم‌بند مطبوعات نیز به پایان رسید. با در نظر گرفتن این مسئله، آنچه در ادامه می‌آید به ناچار روایت حکومتی و هم‌راستا با منافع جمهوری اسلامی از وقایع کردستان خواهد بود که البته به خودی خود تصویری روشن از نقش مسئولان جمهوری اسلامی در سرکوب جنبش کردستان و جنایت‌کاری آنها در کشتار مردم کُرد به دست می‌دهد.*

تذکر دوم: *کلیه تاکیدها و مطالب درون []از مولف است.*

ـ ابولحسن بنی‌صدر: «مسئله کردستان، مسئله‌ی شکستن انقلاب ایران است... در وقایع کردستان اول که به وجود آمد، ابتکار عمل در دست گروه‌هایی بود که این‌ها تصور می‌کردند که کردستان هلویی شده رسیده و پوست‌کنده توی دهان بگذاری و پایین ببری... شیخ عزالدین حسینی در رابطه با ساواک کار می‌کرد و ۲۵۰ صفحه هم پرونده داشت...»

[جمهوری اسلامی، ۳۰ مهر ۱۳۵۸]

ـ هیئت وزیران تصویب کرد که رسیدگی به کلیه امور مربوط به کردستان در اختیار سه تن از وزیران کشور [هاشم صباغیان]، دفاع [مصطفی چمران] و وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه [عزت‌الله سحابی] قرار گیرد.

ـ اخطار فرمانده لشکر ارومیه [سرتیپ ظهیرنژاد] به مهاجمان کردستان: از هر مکانی به سوی نظامیان تیراندازی شود، آن مکان را ویران خواهیم کرد.

ـ گزارش رسیده از پیرانشهر حاکی است که ساعت ۸ صبح امروز به سوی دانش‌آموزان مدرسه راهنمایی تحصیلی «محمود قادری» تیراندازی شد. در این تیراندازی که گفته می‌شود از سوی **پاسداران** صورت گرفته است، یک دانش‌آموز ۹ ساله به نام «کمال فلاحی» کشته شد و یک دانش‌آموز دیگر به نام «ابوبکر بشیری» به شدت مجروح

گردید. به دنبال انتشار خبر تیراندازی در سطح شهر، مدارس و ادارات و بازار پیرانشهر تعطیل شد و گروه‌های مختلف مردم به سوی فرمانداری به راه افتادند. هزاران نفر در مقابل فرمانداری اجتماع کردند و از فرماندار خواستار خروج پاسداران از شهر شدند. [*در گزارش روزنامه کیهان به تاریخ ۲ آبان درباره این واقعه آمده: موقعی که مردم متفرق می‌شدند مرد ۶۰ ساله‌ای به نام «قادر خانزاد» و پیرزنی به نام «بانو گله» با اتومبیل ماموران تصادف کردند و مجروح شدند.*]

ـ هاشم صباغیان (وزیرکشور): مهاباد آرام است و فقط در بین راه سردشت ـ پیرانشهر هنگامی که ۳ خودرو حامل آذوقه در حرکت بود، بر اثر برخورد با مین و آتش شورشیان منهدم شد که ۷ نفر بر اثر این حادثه شهید شدند و یک نفر زخمی گردید.

ـ ضدانقلاب در لباس اسلام دروغین توطئه می‌کند:

شهر مرزی قصرشیرین از نقاطی است که مردم آن، گذشته درخشانی در مبارزه با رژیم دست‌نشانده و منفور پهلوی دارند و به همین دلیل نیز دستگاه‌های سرکوب رژیم سابق بدانجا توجه خاصی داشته‌اند، به طوری که شعبه ساواک در این شهر یکی از قوی‌ترین و سفاک‌ترین شعب ساواک در سراسر کشور را تشکیل می‌داد... پس از انقلاب مردم قصرشیرین انتظار داشتند این دستگاه شکنجه و ظلم... از بیخ و بن زیرورو شود و عاملان جنایتکاران به مجازات درخور خویش برسند... اما متاسفانه تاکنون در این زمینه اقدام جدی صورت نگرفته و در تمام

مدت هشت ماهی که از انقلاب عظیم ما می گذرد، در قصرشیرین نه یک ساواکی دستگیر و نه فردی به جرم پاسداری از اختناق و بیدادگری رژیم گذشته، به مجازات رسیده است... عدم تصفیه جدی ارگان‌های حساس دولتی و انقلابی از این گونه عناصر، همچنین این امکان را به وجود آورد که عناصر ضدانقلابی بدون هیچ گونه واهمه و نیز بدون هیچ گونه کنترل جدی به این گونه مکان‌های حساس چون کمیته‌ها، ادارات و غیره راه یابند و بتوانند زیر لوای دروغین اسلام به اعمال ضدمردمی خود ادامه دهند...

ضدانقلاب در روز راهپیمایی مردم قصرشیرین برعلیه مداخله‌ی گستاخانه‌ی سنای آمریکا در امور داخلی ایران، در گروه‌های کوچک با شعار «**مرگ بر کمونیسم**» و «**حزب فقط حزب‌الله**» با گوجه‌فرنگی و زباله به جمعیت زنان و مردان تظاهرکننده حمله کرده‌اند. آنها با یک سلسله بمب‌گذاری و عملیات تخریبی بر علیه افراد آزادی‌خواه، جوّی تروریستی و رعب‌انگیز در شهر به وجود آورده‌اند و با تهدید افراد مبارز، به آتش کشیدن کتابفروشی‌ها و... مانع از فعالیت آزاد گروه‌ها و احزاب ضدامپریالیست انقلابی و مترقی شدند. ازجمله تحریکات خود را علیه یکی از فرزندان محبوب قصرشیرین به نام «**مرتضی باباخانی**»[1] که سال‌ها به علت مبارزه با رژیم پهلوی در شکنجه‌گاه‌های ساواک به سر برده و به‌هنگام آزادی از زندان مورد استقبال وسیع مردم شهر قرار گرفته بود، متمرکز ساخته، کتابفروشی او را به آتش کشیده و بدون

مجوز قانونی با اسلحه به خانه او ریخته و آن را زیرورو کرده و خواستار اعدام او شده‌اند. در پی این حوادث حجت‌الاسلام صادق خلخالی در نامه‌ای که برای آقای رازی‌زاده حاکم شرع کرمانشاهان فرستاده و ضمن تقدیر از مبارزات آقای باباخانی... خواستار تعقیب قانونی مسببین حمله به کتابخانه باباخانی شده، این‌همه بی‌بندوباری را مورد انتقاد قرار می‌دهد... ولی متاسفانه علیرغم این اظهارنظرها و دستورات صریح، تاکنون نه از آن «عناصر مخالف اسلام و مسلمین» و به وجودآورندگان «فجایع» کسی «مورد تعقیب قانونی» قرار گرفته و نه آقای باباخانی از تعرض مصون مانده است. [اطلاعات، ۱ آبان ۱۳۵۸]



ـ اهالی پیرانشهر اعلام کرده‌اند که تا خروج پاسداران از شهر، مغازه‌ها را نخواهند گشود و مدارس به فعالیت ادامه نخواهند داد.

ـ جمعیت کُردهای مقیم مرکز با صدور بیانیه‌ای در ارتباط با حوادث اخیر کردستان از همه‌ی خلق‌های ایران و آزادی‌خواهان جهان و... خواسته است تا جلو ادامه وقایع ضدانسانی را در این بخش از ایران

بگیرند. در قسمت‌های دیگر بیانیه نسبت به محاصره شهرهای کردستان و جلوگیری از ورود مایحتاج زندگی مردم و قطع آب و برق و سوخت، اعتراض شده...

ـ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران محاصره اقتصادی مهاباد را تکذیب کرد.

[اطلاعات، ۲ آبان ۱۳۵۸]

ـ **آیت‌الله حسینعلی منتظری**: دولت در قضیه کردستان مسامحه کرد و مقصر است.


کفت و شنود دیشب

آیت‌الله منتظری:

دولت در قضیه کردستان مسامحه کرد و مقصر است

«من اجمالا می‌دانم که در قضیه کردستان، دولت دیر جنبید... به دولت از همان اول گفتیم که استاندار کردستان کمونیست است. وی استاندار و فرماندار مهاباد را یک نفر کمونیست قرار داد و هرچه امکانات داده می‌شد، در اختیار آنها قرار داد و بالاخره کوتاهی شد.»

[کیهان، ۲ آبان ۱۳۵۸]

ـ **مهندس عزت‌الله سحابی**، عضو هیئت سه نفره منتخب دولت: در کردستان آتش‌بس می‌دهیم.

«... البته امکان دارد دولت برنامه‌های دیگری هم داشته باشد مثل برنامه های نظامی و از این قبیل، اما این هیات صرفا کارهایش را در سه زمینه‌ی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی انجام خواهد داد... حالا اگر آمدند حمله کردند و خواستند یک پاسگاه را بگیرند، ارتش باید چکار کند؟ طبیعی است که باید دفاع کند، بنابر این ارتش باید باشد اما کارش جنبه دفاعی داشته باشد نه تهاجمی.»

[اطلاعات، ۳ آبان ۱۳۵۸]

ـ شیخ محمد منتظری: با اعدام چند جانی و جاسوس مشکل کردستان حل می‌شود.

ـ در پی دستگیری دو تن از اهالی سقز به وسیله پاسداران، عصر دیروز گروه زیادی از دانش‌آموزان و مردم این شهر به عنوان اعتراض دست به راهپیمایی زدند... دستگیرشدگان سقز محتشم بطحایی و محمد خلیلی نام دارند.

[کیهان، ۳ آبان ۱۳۵۸]

ـ جبروتی، معاون ابوشریف:

مهاباد در دست دموکرات‌ها است و دموکرات‌ها آزادانه در شهر رفت و آمد می‌کنند ولی هیچ‌گونه حمله‌ای به مقر سپاه پاسداران نشده است.

ـ گزارش‌های رسیده از مهاباد حاکی است که پریشب مهاجمان ضمن

حمله به یک خودروی ارتشی، سرگرد دکتر یحیوی پزشک لشکر ۶۴ ارومیه را که در مهاباد مشغول انجام وظیفه بود، ربوده و به قتل رساندند. [اطلاعات، ۵ آبان ۱۳۵۸]

ـ تقاضای اخراج فرماندار بانه:

در پی تیراندازی‌هایی که پریشب در اطراف پادگان بانه صورت گرفت، دیروز کلیه مغازه‌ها، بازار و مدارس بانه تعطیل شد و بیش از ۱۵ هزار تن از مردم این شهر به عنوان اعتراض به این تیراندازی‌ها راهپیمایی کردند و خواستار... خروج پاسداران از شهرهای کردستان و اخراج **ستاریان**[۲] فرماندار بانه که عامل نگرانی‌های شبانه و ویرانی‌های منازل مردم و همچنین یکی از عوامل کشتار در خوزستان شدند.

ـ اطلاعیه دولت درباره تشکیل هیئت ویژه کردستان:

«... هیئت‌وزیران تصویب کرد اختیارات خود را در آنچه مربوط به امور عمرانی، فرهنگی، نظامی، رفاهی و بودجه‌ای مربوط به استان‌های کردنشین می‌شود، به یک هیئت چهار نفری متشکل از آقایان مهندس هاشم صباغیان وزیرکشور، داریوش فروهر وزیرمشاور، دکتر مصطفی چمران وزیردفاع و مهندس عزت‌الله سحابی وزیرمشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه تفویض نماید.»

[اطلاعات، ۶ آبان ۱۳۵۸]

ـ بر اثر تیراندازی مهاجمان به ستون اعزامی از ارومیه به مهاباد پنج درجه دار و سرباز مجروح شدند.

ـ ۲ فروند هلیکوپتر حامل گروهی از پاسداران از سنندج به سوی سردشت و بانه پرواز کرد.

ـ زدوخورد در بوکان تا دیشب به شدت ادامه داشت و طی آن یک پاسدار کشته شد و ۳ نفر مجروح گردیدند.

ـ بامداد دیروز مهاجمان با سلاح‌های سنگین به محل ستاد سپاه پاسداران در قصرشیرین حمله کردند.

ـ جامعه روحانیون سقز طی تلگرامی به دفتر امام خمینی خواستار رفع محاصره اقتصادی شهر مهاباد شدند.

ـ دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تبریز ظهر دیروز در اعتراض به اوضاع کردستان، در محوطه دانشگاه تظاهرات و راهپیمایی کردند... این راهپیمایی با برخورد نیز همراه بود.

[اطلاعات، ۷ آبان ۱۳۵۸]

ـ پاسدار، مظلوم، معصوم و محروم کردستان.

لازم است ارتش و سپاه پاسداران با کمال قدرت توطئه‌گران را سرکوب کنند.

در جریان حوادث غم‌انگیز کردستان مرتبا از مظلومیت، محرومیت و حتی معصومیت ملت کُرد داد سخن داده می‌شود اما کوچکترین نامی



پاسدار، مظلوم، معصوم و محروم کردستان

● لازم است از تن و سیاه پاسداران باکمال قدرت توطئه‌گران را سرکوب کنند.

در جریان حوادث غم‌انگیز کردستان مرتبا از مظلومیت، محرومیت و حتی معصومیت ملت کرد داد سخن داده میشود آیا کوچکترین نامی از پاسداران شنیده که مظلومان و معصومان واقعی هستند هیچ سخنی بمیان نمی‌آید در صورتیکه با فکر دلائل فراوانی ثابت میشود که پاسقانه توانران کرد ما دانسته سخت تاثیر سلیمانی شوم ضدانقلابی بعضی از رهبران قاسدشان مشغول توطئه علیه رژیم جمهوری اسلامی بوده و مشغول انجام اعمالی که سیخ‌تاخیریه تلقی را در بر دارد میباشند و چنین آشوبی را بوجود آوردهاند. آلوفت عده‌ای کمتاشید هم جزا آشوفروزان این هاهده هستند این بیچاره‌ان و بحریطلبان را مظلوم و معصوم میخوانند؟ حالا بیاشیم این مسئله را خوب مکاشه و بطور صحیح قضاوت کنیم. آیا فقط انسان کردستان بوده است که دررژیم کذشته توجهی به آن نشده؟ آیا فقط بردم کردستان بوده‌اند که زیر بار ظلم وستم رژیم سفاکانه پهلوی قرار داشته‌اند. که حالا هم خود مردم کرد و هم بعضی افراد بغرض و نابه هم ما آگاه. این عامل را یکی از عوامل بسیار مهم این خاده‌ا اعتشاش بشمار میاورند. مگر آیا مردم نقاط دیگرکشور در رژیم گذشته در رفاه و آسایش قرار داشته‌اند؟

چرا ملت مسلمان کرد بدون توجه دست به کشتار بی‌رحمانه جوانان عزیز پاسدار میزنند، مگر چه جرمی و چه تقصیری از پاسداران سرزده بود کهمستحق چنین عقوبتی بودند؟ آیا این پاسداران گهنیچه تقاضایی جز آزادی بودند و چه ایده‌ای داشتند الا اینکه عده‌ای جوان واقعا مسلمان و مومن بانقلاب عظیم اسلامی ایران. مومن بتمام معنی رهبری و بالاخره مومن بمقام بزرگ و سنندیده سرتاسر ایران بوده‌اند که پس از یکسلسله مبارزات بی‌گیر و خطرناک علیه رژیم منفور پهلوی و بدست آمدن پیروزی و بمنظور حفظ و نگهداری دستاوردهای انقلاب با کمال سلامت و فداکاری و آگاهی بدون کوچکترین چشم‌داشت مادی مشغول پاسداری بوده‌اند. آیوقت یکدسته اشرار و خودفروخته و بی‌وطن و از خدا بی‌خبر این جوانان فداکار و از خودگذشته را باکمال قساوت و بی‌رحمی بطرز بسیار فجیعی سر بریدند و یا سوزاندند و حتی به جنازه بعضی از آنها رحم ننمودند. بعد بی‌بینیم عده‌ای که میتوان آنها را آنچنان بمرکه نامید در نوشتجات و مقالات و سایتهای خود همچگونه نامی از شهادت فجیع پاسداران عزیزمان بمیان نمی‌آورند و هیچگونه اعتراضی باین عمل سفاکانه اشرار و عاملین صهیونیسم نمیکنند. بلکه در عوض نسبت مظلومیت،محرومیت و حتی معصومیت به عاملین این فاجعه میدهند.

بین اگر انجام چنین فجایعی ملاک مظلومیت است باید گفته بود محمدرضا پهلوی و داروستهای از قبیل هویدا، نصیری، نامی، تهرانچی، حسیبی و ... از همه مظلوم‌تر و معصوم‌تر بودهاند! آلام است به این نکته توجه نشود، آیا چه گناهی ایندا دست‌بحمله، تعرض‌نهاجم‌کردند؟ آیا پاسداران بودند که برادران کرد را با کمال دست‌بکشتار زدند؟ آیا پاسداران بودند که برادران کرد را با کمال قساوت میکشتند؟ آیا پاسداران بودند که گروهها را مورد هجوم قرارداده و آنها برای حفظ جانشان به شهرهایی پناه برده، آنوقت رئیس شهربانی وچندنفر دیگر را شهید نمودند؟ آیا پاسداران بودند که عده‌ای را سوزاندند؟ و حتی بعضی جنازه‌ها را سربریدند؟ جواب این سئوالات برعهده ملت شریف ایران روشن است وهمه میدانند چه کسانی دست به چنین جنایات و فجایعی زدند. سپس باکمال تاسف بی‌بینیم وقتیکه ارتش محبب وظیفه‌ای که بر عهده دارد میخواهد اشرار و توطئه‌گران را سرکوب کند واز عده‌ای که خودشان آرامش فرودرآن آبن سرکوب‌بود، وهستند بیام فدائی (که واقعا فدائی هستند) ایا التفاقی مرتبا اسم‌پلنده‌شود کارتش در کردستان بیداد میکند؟ بیکوبند رژیم قبلی هم باشد رژیم قبلی در کردستان کشتار کرده‌است. بنابراین لازم است دولت وارتش و سپاه ازحمله پاسداران کوچکترین توجیهی باین یاوه سرائیها نداشته باشند وبا کمال قدرت و شدت اشرار و توطئه‌گران و ضدانقلابیها را از مدکوات، فدائی، فرقان و ... سرکوب کنند. سید محمد کاظم امام واعظ

از پاسداران شهید که مظلومان و معصومان واقعی هستند، هیچ سخنی به میان نمی‌آید...

یک مشت اشرار و خودفروخته و بی‌وطن و از خدا بی‌خبر، این جوانان فداکار و ازخودگذشته را با کمال قساوت و بی رحمی به‌طرز بسیار فجیعی سر بریدند و یا سوزاندند و حتی به جنازه بعضی از آنها رحم ننمودند....

سید محمدکاظم امام واعظ

[انقلاب اسلامی، ۷ آبان ۱۳۵۸]

ـ نمایندگان متحصنین سقز دیروز برای مذاکره با هیئت نمایندگی دولت، وارد سنندج شدند.

ـ به دنبال تظاهرات و شکسته شدن شیشه‌ها، ۲ مدرسه راهنمایی در سنندج تعطیل شد.

ـ در شهر مهاباد مهاجمین با سلاح‌های سنگین، هنگ ژاندارمری مهاباد را مورد حمله قرار دادند.

ـ در اعتراض به سخنان استاندار آذربایجان غربی [حقگو]، دانشگاه ارومیه از سوی کادر علمی و دانشجویان تعطیل شد.
[اطلاعات، ۸ آبان ۱۳۵۸]

ـ ۷ پاسدار در بوکان شهید شدند. وضع بوکان ناآرام است و درگیری میان پاسداران و مهاجمان همچنان ادامه دارد.
ـ دیروز مریوان و اطراف این شهر آرام بود و تحصن فرهنگیان و کارکنان بانک ملی، دارایی، مخابرات و مایکروویو «سقز» وارد چهارمین روز خود شد.
[اطلاعات، ۹ آبان ۱۳۵۸]

ـ در پی درخواست **سازمان مجاهدین خلق ایران** از امام خمینی مبنی‌بر اعلام بسیج عمومی و ملی با شرکت کلیه نیروهای ملی در جهت حل سیاسی مسئله کردستان، انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه ملی با ارسال نامه‌ای به حضور حضرت آیت‌الله امام خمینی از طرح پیشنهای سازمان مجاهدین خلق پشتیبانی کرد.
در نامه فوق آمده است: «حضرت آیت‌الله امام خمینی همواره خود شاهد توطئه‌های پی‌درپی امپریالیزم بر علیه ملت ما هستید که چگونه ارتجاع داخلی را به کمک گرفته و باعث منحرف کردن حرکت انقلابی خلق‌مان می‌شود...»

در نامه همچنین با اشاره به اقدامات فئودال‌ها که سالیان دراز خلق کُرد را استثمار کرده و اکنون نیز از طریق عناصری مسلح شده‌اند، تاکید شده است که: «ما از پیشنهاد مجاهدین خلق که از زمان بودن آنها در نهضت آزادی در کنار معلم کبیر قرآن، پدر طالقانی، و... همواره صداقت انقلابی خود را نشان داده‌اند، حمایت کرده...»
[بامداد، ۹ آبان ۱۳۵۸]

ـ پریروز پس از برگزاری مراسم عیدقربان و تجلیل از شهدای کُرد در گورستان بانه، هنگامی که راهپیمایان به به منازل خود رفته بودند، بین قوای نظامی که از سردشت عازم بانه بودند و گروهی از مهاجمان درگیری روی داد که بر اثر تیراندازی حدود بیست نفر از افراد ارتش کشته و ۵۰ نفر مجروح شدند. از مهاجمان کشته شده آماری در دست نیست.
از بعدازظهر پریروز بر اثر وقایع بانه بیش از ۵۰ خانه و اماکن عمومی ویران شد و عده زیادی کشته و مجروح شدند. پریشب غرش فانتوم‌ها بر فراز بانه، دقیقه‌ای قطع نشد.
در اجتماع مردم بانه که در گورستان این شهر تشکیل شد، آنان خواستار به رسمیت شناختن همه‌ی سازمان‌های سیاسی در ایران و به خصوص کردستان و همچنین مذاکره نمایندگان دولت با شیخ عزالدین حسینی شدند.

[اطلاعات، ۱۲ آبان ۱۳۵۸]

ـ در پی انتشار خبر ورود هیئت ویژه به سنندج، گروه‌های مردم سنندج در مقابل استانداری کردستان، محل اقامت هیئت اجتماع کردند و دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان در این اجتماع شعارهایی به پشتیبانی از شیخ عزالدین حسینی دادند.
[اطلاعات، ۱۴ آبان ۱۳۵۸]

ـ در دومین روز اقامت هیئت ویژه دولت در سنندج، صبح دیروز گروه های مختلف مردم سنندج به راهپیمایی پرداختند و خواستار تحریم مذاکرات شدند. دیروز بازار و مغازه‌ها و اکثر ادارات سنندج به حالت تعطیل درآمد. [*روزنامه اطلاعات دلیل اینکه مردم سنندج چرا مذاکرات را تحریم کردند، مسکوت می‌گذارد. برای فهم موضوع باید خبرهای دیگر را تحلیل کرد. اطلاعیه* ***چمران****، از اعضای «هیئت حسن‌نیت» درباره وقایع سردشت کلید حل معما را به ما می‌دهد.*]

ـ اطلاعیه دفتر **دکتر چمران**:

«عصر دیروز (پریروز) داریوش فروهر وارد سردشت شد. مهاجمین از دو روز قبل حملات شدیدی را علیه پادگان سردشت آغاز کرده بودند و عصر دیروز (پریروز) پادگان سردشت مورد تهاجم بیش از هزار نفر از گروه‌های مختلف چپ قرار گرفت...

این عده قصد داشتند با سپر قرار دادن مردم، ارتش را مورد تهاجم شدید قرار دهند. از مردم خواسته شد که از مهاجمین ضدانقلابی فاصله بگیرند و ارتش توانست مواضع و سنگرهای آنها را از خیابان‌ها و پشت‌بام‌های منازل برچیند...» [*همان زمان «نشریه پیکار» در شماره ۳۰ خود تیتر زد: «مذاکرات* ***هیئت حسن‌نیت*** *رژیم در زیر بمباران وحشیانه‌ی سردشت! سردشت در اثر بمباران به ویرانه‌ای تبدیل شده است.»*]

[اطلاعات، ۱۵ آبان ۱۳۵۸]

ـ در ساعت ۱۲ ظهر دیروز یک درجه‌دار ارتش از گروهان دژبان در خیابان قاضی (فرح سابق) به علت نامعلومی اقدام به شلیک سه گلوله کرد که منجر به قتل یک نوجوان به نام **لطیف عبدیان** و مجروح شدن یک عابر گردید. در این تیراندازی عابر دیگری به نام حسین کریمی، ۶۰ ساله، از ناحیه زانو مجروح شد.

[اطلاعات، ۱۶ آبان ۱۳۵۸]

ـ جمشید حقگو، استاندار آذربایجان غربی اعلام کرد در درگیری‌های دو روز اخیر اشنویه ۸ نفر از افراد ژاندارمری کشته و بیش از ۲۰ نفر از آنها زخمی شدند.

[اطلاعات، ۱۷ آبان ۱۳۵۸]

ـ دستورات امام خمینی برای تامین خواست‌های مردم کُرد:

«... حق اداره امور داخلی و محلی متعلق به تمام قشرهای ملت است.»

ـ مناطق کردنشین لبریز از شادی شد.

به دنبال انتشار پیام امام خمینی به مردم کردستان، مردم مهاباد دیشب را تا صبح به رقص و پایکوبی پرداختند.

[اطلاعات، ۲۷ آبان ۱۳۵۸]


مناطق کردنشین لبریز از شادی شد

دستورات امام خمینی برای تأمین خواستهای مردم کرد

۱۲ صفحه چاپ دوم

اطلاعات

ت به روی خواهد شد

اموال شاه مخلوع در انگلیس مصادره شد

منطق گاو چرانها در مناسبات سیاسی امریکا!

می‌شود. دیروز به دنبال جشن و شادی مردم مهاباد، چندین بار به وسیله بلندگو در سطح شهر... اعلام شد که ریاست این شورای هماهنگی با شیخ **عزالدین حسینی** خواهد بود... همچنین گفته می‌شود که یکی از اعضای حزب دموکرات عهده‌دار سمت سخن‌گویی شورای هماهنگی می‌باشد.

ـ کارکنان درمانی بهداشتی شهرستان سقز طی تلگرامی به وزارت بهداری و بهزیستی اعلام کرده‌اند که از نظر کادر درمانی شهر متاسفانه فعال‌ترین و انسان‌دوست‌ترین کادر درمانی تبعید گردیده‌اند...

به طوری که اکنون در تنها بیمارستان سقز با توجه به جمعیت صدهزار نفری منطقه، کوچک‌ترین عمل جراحی با وجود پرسنل جراح، به علت تبعید کادر اتاق عمل بیمارستان، انجام نمی‌شود.

[اطلاعات، ۲۸ آبان ۱۳۵۸]

ـ دکتر قاسملو در میتینگ صدهزار نفری دموکرات‌ها (در مهاباد):

«ما به پیام امام لبیک گفته‌ایم.»

[اطلاعات، ۳۰ آبان ۱۳۵۸]

ـ مصاحبه مطبوعاتی دکتر عبدالرحمن قاسملو:

«خودمختاری باید در قانون اساسی تدوین گردد... نظر ما به طور کلی در مورد نیروهای انتظامی روشن است، همان‌طوری که ارتش در

صلاحیت دولت مرکزی است... ولی امور داخلی باید در صلاحیت ارگان‌های خودمختار باشند...

ما بعد از مذاکرات طولانی به توافق رسیدیم که هیئت نمایندگی کُرد تشکیل بدهیم که ریاست این هیئت به عهده آقای شیخ عزالدین حسینی و سخن‌گوی هیئت، حزب دموکرات کردستان ایران است. دو سازمان دیگر مرکب از سازمان چریک‌های فدایی خلق و سازمان زحمتکشان کردستان (کومله) در این هیئت خواهند بود.»

[اطلاعات، ۱ آذر ۱۳۵۸]

ـ هاشم صباغیان از اعضای هیئت ویژه:

«ما به کسی اجازه نخواهیم داد که در انتصابات و یا کار نظامی در منطقه دخالتی کند... برای ما شرط گذاشته‌اند که نماینده سازمان چریک‌های فدایی خلق و حزب کومله باید در مذاکرات شرکت کند. ما این پیشنهاد را نپذیرفتیم. ظاهرا آقای شیخ عزالدین حسینی اصرار دارد که این دو گروه در مذاکره ما باشند که از نظر ما عملی نیست.»

ـ صبح پنجشنبه (اول آذر) هیئت حسن‌نیت به دنبال خبر اجتماعی گروهی مسلح در بیرون شهر مریوان، عازم این شهر شد. در مریوان عده کثیری اجتماع کرده و شعار میدادند: دولت ارتجاعی، حسن‌نیت ندارد.»

ـ ساعت ۴:۳۰ دقیقه بعدازظهر وقتی [داریوش فروهر] می‌خواست عازم تهران شود، شهردار مهاباد سراسیمه خبر آورد که مردم مهاباد به خاطر

سخنان **آیت‌الله منتظری** در نماز جماعت روز جمعه تهران، به خشم آمدند و تظاهرات می‌کنند.

ـ دکتر حسن حبیبی، سخنگوی شورای انقلاب اعلام کرد که **آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای** به عنوان سرپرست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تعیین شد. (آیت‌الله خامنه‌ای نماینده شورای انقلاب در وزارت دفاع نیز می‌باشد.)

ـ ۲۰ نفر از مزدوران ضدانقلابی سردارجاف و پالیزبان که برای خرابکاری وارد خاک ایران شده بودند، در منطقه مرزی شیخان در مرز نوسود، توسط پیشمرگان حزب دموکرات در اورامانات خلع سلاح شدند و توسط افراد حزب بازداشت شدند.

[اطلاعات، ۳ آذر ۱۳۵۸]

ـ به گزارش خبرگزاری پارس **رفراندوم قانون اساسی** در سنندج و دیگر شهرهای استان کردستان به جز قروه و بیجار برگزار نخواهد شد. حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) و سازمان چریک‌های فدایی خلق شاخه کردستان، قبلا اعلام کرده بودند که در همه‌پرسی قانون اساسی شرکت نخواهند کرد.

ـ به دنبال تحریم همه‌پرسی قانون اساسی از سوی سازمان‌های سیاسی کردستان، مقارن ۱۰ صبح دیروز مغازه‌ها و بازار سقز تعطیل شد و اهالی این شهر با راهپیمایی در خیابان‌ها، تحریم انتخابات را تایید کردند.

ـ دکتر نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده ایران به اتفاق کلیه اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران، دیروز آراء مثبت خود را به صندوق ریختند.

[اطلاعات، ۱۲ آذر ۱۳۵۸]

ـ گزارش **اسماعیل جمشیدی**: قتل‌عام در «قارنا» چگونه انجام شد؟

«... حمزه شریفی ۱۵ ساله دانش‌آموز سال سوم راهنمایی درباره آنچه ساعت یک بعدازظهر روز ۱۱ شهریور امسال در قارنا گذشت، سندی غیرقابل انکار ارائه می‌دهد.



[*مشروح این سند و دیگر جزئیات در بخش دوم این پرونده در قسمت «پیوست‌ها» آمده است.*]

سند، نامه‌ای است از شخصی به نام **حاج عظیم معبودی**[۳] که برای خلیل خسروی کدخدا و چند تن از محترمین ده نوشته است. نامه روی کاغذ مارک‌دار تجارتخانه معبودی که عامل فروش تراکتورهای انیورسال در شهرهای نقده و پیرانشهر و اشنویه و حومه است، نوشته شده و مردم قارنا می‌گویند: او از فئودال‌های وابسته به رژیم است...»

[اطلاعات، ۱۳ آذر ۱۳۵۸]

ـ مذاکرات کردستان متوقف شد.

دیروز بعدازظهر در سطح شهر مهاباد اعلامیه‌های مختلفی از طرف احزاب و گروه‌ها منتشر شد و در سراسر شهر پخش گردید. در این اطلاعیه‌ها که به عنوان هیئت نمایندگی خلق کُرد منتشر شده آمده است: در حالی که هیئت نمایندگی خلق کُرد زمینه انجام گفتگوها را با هیئت ویژه انجام می‌دهد، در مرکز **بهروز بهروزنیا** افسر انقلابی را در دادگاه دربسته محکوم به اعدام و تیرباران کردند...

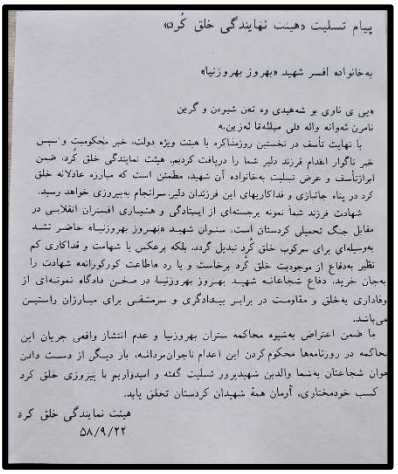

پیام تسلیت «هیئت نمایندگی خلق کُرد»

به‌خانواده افسر شهید «بهروز بهروزنیا»

«بی ی ناوی بو شه‌هیدی وه تەن شیوەن و گرین
نامرن ئەوانه واله دلی میللەتا لەژین.»

با نهایت تأسف در نخستین روزمذاکره با هیئت ویژه دولت، خبر محکومیت و تبیین خبر ناگوار اعدام فرزند دلیر شما را دریافت کردیم. هیئت نمایندگی خلق کُرد ضمن ابرازتأسف و عرض تسلیت به‌خانواده آن شهید، مطمئن است که مبارزه عادلانه خلق کرد در پناء جانبازی و فداکاریهای این فرزندان دلیر، سرانجام به‌پیروزی خواهد رسید.

شهادت فرزند شما نمونه برجسته‌ای از ایستادگی و هشیاری افسران انقلابی در مقابل جنگ تحمیلی کردستان است. سنوان شهید «بهروز بهروزنیا» حاضر نشد به‌وسیله‌ای برای سرکوب خلق کُرد تبدیل گردد، بلکه برعکس با شهامت و فداکاری کم نظیر به‌دفاع از موجودیت خلق کُرد برخاست و با رد «اطاعت کورکورانه» شهادت را به‌جان خرید. دفاع شجاعانه شهید بهروز بهروزنیا در صحن دادگاه نمونه‌ای از رهاداری به‌خلق و مقاومت در برابر بیدادگری و سرمشقی برای مبارزان راستین می‌باشد.

با ضمن اعتراض به‌شیوه محاکمه ستران بهروزنیا و عدم انتشار واقعی جریان این محاکمه در روزنامه‌ها محکوم کردن این اعدام ناجوان‌مردانه، بار دیگر از دست وادن جوان شجاعتان به‌شما والدین شهیدپرور تسلیت گفته و امیدواریم با پیروزی خلق کرد کسب خودمختاری، آرمان همهٔ شهیدان کردستان تحقق یابد.

هیئت نمایندگی خلق کرد
۵۸/۹/۲۴

در تماسی که با آقای **فروهر** گرفته شد ایشان از انتشار چنین بیانیه‌هایی اظهار تعجب کرد و افزود افسر تیرباران شده، جمعی ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران، فرمانده خودش را ضمن انجام وظیفه، از پشت ناجوانمردانه هدف گلوله قرار داده و شهید کرده است. [*در اطلاعیه روابط ژاندارمری*

مندرج در روزنامه کیهان مورخ ۲۱ آبان ۵۸ ذکر شده که فرمانده ژاندارمری حین درگیری با متهم از «ناحیه سینه» هدف گلوله قرار گرفته است!]

این تعجب‌آور است که یک حزب و یا سازمان سیاسی به خود اجازه می‌دهد که نسبت به کیفر چنین افسری اعتراض کند.

ـ متهم به قتل فرمانده ژاندارمری سنندج در انتظار رای دادگاه:

محمدبهروز بهروزنیا، فرزند عبدالله... افسر ژاندارمری، محل خدمت سنندج، از تاریخ ۵۸/۸/۱۹ در بازداشت بوده است. موضوع اتهام شروع به ربودن هلیکوپتر ارتش، جرح منجر به فوت فرمانده ناحیه ژاندارمری سنندج...

پس از قرائت کیفرخواست علیه بهروزنیا، او در دفاع از خود گفت: من مدت‌ها در مرز مشترک ایران و روسیه خدمت می‌کردم. اگر قصد خیانت به انقلاب را داشتم در آنجا خیانت می‌کردم... [*قابل ذکر است خبر دادگاه بهروز نیا در حالی در صفحه ۸ این شماره روزنامه اطلاعات آمده که در صفحه ۲ همین شماره خبر اعدام بهروزنیا را خوانده‌ایم!*]

[۲۲ آذر ۱۳۵۸]

ـ علت قطع مذاکرات کردستان حضور نمایندگان سازمان‌های چریک‌های فدایی خلق و حزب کومله اعلام شد.

[اطلاعات، ۲۶ آذر ۱۳۵۸]

ـ امام خودگردانی را تصویب کرد.
پیش‌نویس طرح مربوط به واگذاری اختیارات منطقه (خودگردانی) تسلیم امام خمینی شد. بنابه اظهار مهندس صباغیان این طرح مورد تصویب رهبر انقلاب اسلامی ایران نیز قرار گرفت.
[اطلاعات، ۲۷ آذر ۱۳۵۸]

ـ شیخ عزالدین حسینی: بین خودگردانی و خودمختاری تفاوت بسیار است.
ـ اطلاعیه لشکر ۲۸ کردستان: هر نوع تظاهرات مسلحانه در کردستان سرکوب می‌شود.
[اطلاعات، ۲۸ آذر ۱۳۵۸]

ـ متن کامل پیش‌نویس حقوق و وظایف ناحیه‌های خودگردان کشور منتشر شد.
ـ حجت‌الاسلام **خامنه‌ای** در مورد **فاجعه قارنا** گفت این فاجعه بر اثر یک دعوای عشایری بوده است.
[اطلاعات، ۲۹ آذر ۱۳۵۸]

ـ آیت‌الله دکتر **محمد بهشتی** در مورد طرح خودگردانی در کردستان گفت: مسئله دخالت دادن مردم در اداره کارهای‌شان آن هم با یک

برنامه، نه همین‌طور بی‌برنامه، فکر می‌کنم که همه با آن موافق هستند. ولی اگر کارها به سمت تجزیه بخش بخش ایران برود، فکر می‌کنم همه با آن مخالف هستیم... مخالفین غالبا به اعتبار این مخالف هستند که خواستار آن یکی هستند یعنی می‌خواهند تجزیه بکنند.

ـ اطلاعیه هیئت نمایندگی خلق کُرد در باره طرح خودگردانی:

«... این طرح امر خودمختاری را تا سطح یک امر اداری مربوط به چگونگی تنظیم روابط اداری تنزل داده است... پیش‌نویس به‌طور کلی متضمن ابهاماتی است که نشان می‌دهد تدوین‌کنندگان آن فقط یک هدف داشته‌اند و آن لوث مفهوم خودمختاری... هیئت نمایندگی خلق کُرد اعتقاد دارد که این پیش‌نویس به هیچ‌وجه متضمن اجرای دستور و پیام مورخ ۵۸/۸/۲۶ امام خمینی که ماموریت هیئت ویژه به خاطر آن است، نمی‌باشد و در واقع بدون توجه به روح پیام امام تنظیم گردیده است...»

[اطلاعات، ۱ دی ۱۳۵۸]

ـ ساعت ۱۸ دیروز صدای تیراندازی شدیدی در سنندج به گوش رسید. مسئول سپاه پاسداران سنندج درباره این حادثه گفت: گروهی از پیشمرگان دموکرات به سوی افراد پاسدار که در محوطه رادیو تلویزیون سنندج به نگهبانی مشغول بودند، آتش گشودند و خواستار خروج پاسداران از مرکز رادیو تلویزیون این شهر شدند.

ـ سخن‌گوی حزب دموکرات در سنندج اعلام کرد: در تیراندازی‌های دیشب یک تیر هم از طرف افراد دموکرات شلیک نشده است. ما خواهان خروج پاسداران از سنندج ظرف ۴۸ ساعت آینده هستیم.
[اطلاعات، ۹ دی ۱۳۵۸]

ـ **آیت‌الله منتظری** در گفتگو با اطلاعات:
واقعش این است که در کردستان من از همان اول هم مطمئن بودم، با آن که این هیئت حسن‌نیت، حسن‌نیت دارند... ولی بعضی از افرادی که در کردستان طرف مذاکره هستند، ما از اول هم می‌دانستیم که حسن نیت ندارند. آنها واقعا مستقیم یا غیرمستقیم بالاخره منظورشان این است که کردستان را تجزیه کنند. خلاصه بی‌رودربایستی، اسمش را خودمختاری می‌گذارند.

ـ داریوش فروهر: طرح خودمختاری هیئت نمایندگی خلق کُرد، به هیچ وجه نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد.
ـ داریوش فروهر: سپاه پاسداران انقلاب یکی از نهادهای قانونی کشور است و ارتش و نیروهای انتظامی در پشتیبانی از آنها وظیفه‌ای به عهده دارند که بی‌شک انجام خواهند داد.
ـ دکتر قاسملو ضمن اشاره به طرح خودگردانی هیئت ویژه گفت: این طرح با پیام امام خمینی تطبیق نمی‌کند و به صلاح ما نیست که مذاکرات

را ادامه دهیم و چون هیئت برای کوچک‌ترین مسئله می‌بایست با تهران و با قم تماس بگیرد، ما باید مستقیما با امام خمینی وارد مذاکره و گفتگو شویم.
[اطلاعات، ۱۲ دی ۱۳۵۸]

ـ **حجت‌الاسلام خامنه‌ای**: تا وقتی گروه‌های مسلح از شهر خارج نشده باشند، سپاه همچنان در سنندج خواهد ماند.
ـ دیروز جنازه چند نفر از کشته‌شدگان حوادث روز سه‌شنبه سنندج توسط هزاران نفر مردم شهر تشییع شد. این مراسم با انجام تظاهرات و راهپیمایی همراه بود و شرکت‌کنندگان به دادن شعارهایی مبنی بر خروج پاسداران از شهر پرداختند...
کشته‌شدگان صالح هنرمند (مغازه‌دار)، حسن زندی و عطاالله زندی [*عطاالله افسری‌بر، صحیح است.*] و یک کارگر گچ‌کار بودند.
[اطلاعات، ۱۳ دی ۱۳۵۸]

ـ تحصن گروه‌های مختلف مردم در استانداری کردستان وارد پنجمین روز خود شد. مهندس **حسین شاه‌ویسی** سرپرست استانداری کردستان به مقامات مسئول در تهران اطلاع داده است: چنانچه مشکل سنندج حل و فصل نشود، وی از ساعت دوازده ۵۸/۸/۱۶ هیچ‌گونه مسئولیتی نخواهد داشت و استعفا خواهد کرد.

متحصنین خواستار خروج بدون قید و شرط افراد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سنندج هستند...

ـ دیروز شهر بانه نیز همچون دیگر شهرهای کردستان تعطیل بود. گروهی از اهالی شهر به راهپیمایی پرداختند و پشتیبانی خود را از تحصن مردم سنندج اعلام داشتند.

[اطلاعات، ۱۷ دی ۱۳۵۸]

ـ اخطار ستاد ارتش در مورد رویدادهای کردستان:

«... ضدانقلابیون اقدام به دعوت و استخدام مزدورانی از قراء اطراف و اعزام آنان به سنندج نموده‌اند تا با... تیراندازی به مردم بی‌گناه و آرامش طلب سنندج و سایر نقاط کردستان، سپاهیان پاسدار را مورد حمله قرار دهند...»

[اطلاعات، ۲۰ دی ۱۳۵۸]

ـ دیروز (۲۱ آذر) از سوی ستاد مشترک ارتش اطلاعیه‌ای منتشر شد:

«امپریالیسم و صهیونیزم جهانی... این‌بار به وسیله ایادی مزدور و افراد فریب‌خورده، با قرار دادن سلاح‌های سبک و سنگین در روی بام مسجد جامع شهر سنندج... قصد دارند به سوی برادران پاسدار ما تیراندازی کنند...»

ـ سنندج یکپارچه تعطیل است و موج اعتراض بالا می‌گیرد. اطلاعیه

ستاد مشترک ارتش، موجی از اعتراض در سنندج به وجود آورده است.
ـ مردم سنندج اعلام نمودند که ستاد مشترک با توسل به چه مدارک و اسنادی اطلاعیه صادر نموده که در پشت‌بام مسجد جامع تیربار نصب شده است.

شاه‌ویسی، استاندار مستعفی کردستان نیز در این مورد اعلام کرد: من قویا موضوع سنگربندی و استقرار تیربار در پشت‌بام مسجد جامع سنندج را تکذیب می‌کنم.

ـ نمایندگان اصناف و کسبه سنندج گفتند: به علت نداشتن تامین جانی و شغلی که بر اثر تیراندازی‌های افراد سپاه پاسداران به وجود آمده و تاکنون نیز چند مغازه‌دار در پی این تیراندازی‌ها کشته شده‌اند، با میل و رغبت اقدام به تعطیل مغازه‌های خود کرده‌ایم...

ـ شیخ عزالدین حسینی و سازمان‌های سیاسی کردستان، از جمله حزب دموکرات، هیئت نمایندگی خلق کُرد و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان با صدور اطلاعیه‌هایی ضمن اعلام آمادگی برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری حمایت خود را از کاندیداتوری **مسعود رجوی** اعلام کردند.

[اطلاعات، ۲۲ آذر ۱۳۵۸]

ـ حزب دموکرات کردستان (تشکیلات پاوه و جوانرود) طی اطلاعیه‌ای به مقامات مشئول هشدار داد:

مدتی است گروهی از پاسداران مستقر در پاوه به تحریک افرادی که موفقیت در مذاکرات صلح کردستان را مغایر با منافع خود می‌بینند، عملا مشغول تحریک هستند و بارها برای افراد عادی در شهر پاوه مزاحمت ایجاد کرده‌اند... بدین‌وسیله ضمن اطلاع ماجرا به تمام مقامات مسئول دولتی، ارتش جمهوری اسلامی و... هشدار می‌دهد که اگر با تمام امکانات از مداخلات تشنج‌آفرین مخالفان صلح در کردستان جلوگیری به عمل نیاورند و در شهر پاوه هرچه زودتر به جای سپاه پاسداران، شهربانی انتظامات را به عهده نگیرد، جنگ تحمیلی دیگری به وقوع خواهد پیوست که مسئولیت آن مستقیما متوجه دولت و مسئولین امر خواهد بود.

[اطلاعات، ۲۹ دی ۱۳۵۸]

ـ به دنبال بازگشت آیت‌الله اشراقی، نماینده اعزامی امام خمینی به مهاباد و بازگشت هیئت ویژه دولت از کردستان، از سوی هیئت نمایندگی خلق کُرد اطلاعیه‌ای انتشار یافت:

«... هر بار که هیئت ویژه دولت به کردستان سفر می‌کند، حالتی از امید و انتظار در میان مردم کردستان و سراسر ایران پدید می‌آید... هیئت نمایندگی خلق کُرد هر بار با حسن‌نیت واقعی به استقبال مذاکرات می روند... اما ناگهان حجت‌الاسلام اشراقی و آقای فروهر برای شرکت در جلسه **سران عشایر** به ارومیه رفتند و روز بعد از آن عازم تهران گشتند،

و آقایان صباغیان و سحابی نیز پس از یک مصاحبه رادیو تلویزیونی، مهاباد را به سوی تهران ترک کردند بدون اینکه حتی یک جلسه مذاکره رسمی هم با هیئت نمایندگی خلق کُرد تشکیل شده باشد...

این‌بار هم اظهارات آقای صباغیان در پاسخ به خبرگزاری پارس کماکان در جهت حمله به هیئت نمایندگی خلق کُرد و کوشش برای تفرقه در صفوف آن بوده است... مذاکره نکردن با هیئت نمایندگی خلق کُرد و ملاقات‌های معارفه‌ای را به جای مذاکره قلمداد کردن و اظهارات تکراری آقای صباغیان متاسفانه امیدی را که در نتیجه سفر حجت‌الاسلام اشراقی پدید آمده بود، به مخاطره انداخته است.

هیئت نمایندگی خلق کُرد هر نوع مذاکرات جداگانه را رد کرده و هشدار می‌دهد که هرگونه تلاش برای نماینده‌تراشی و ملاقات و مذاکره با مرتجعان و سران معلوم‌الحال عشایر، محکوم به شکست بوده و طرفی از آن نخواهند بست... در آینده جز به صورت رسمی و جز با قبول هیئت نمایندگی خلق کُرد به عنوان تنها مرجع صالح برای مذاکره، هیچ‌گونه ملاقاتی با هیئت ویژه دولت انجام نخواهیم داد... ۵۸/۱۰/۲۶»

[اطلاعات، ۳۰ دی ۱۳۵۸]

ـ تحصن گروه‌های مردم سنندج وارد بیست‌وسومین روز خود شد. این تحصن در حالی ادامه دارد که مغازه‌ها، بازار، ادارات، بانک‌ها و مدارس سنندج نیز همچنان یکپارچه تعطیل است... متحصنین اعلام

کردند که پس از خروج کامل پاسداران از شهر، به تحصن خود پایان خواهند داد.

ـ فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قصرشیرین اعلام داشت که وظایف مربوط به پاسداری از مرز کشور جمهوری اسلامی ایران در پنج پاسگاه مرزی منطقه به عهده پاسداران انقلاب اسلامی گذاشته شده است.

ـ کمیته مرکزی **حزب دموکرات کردستان** ایران در تلگرافی به دفتر امام خمینی از خبر کسالت امام خمینی اظهار نگرانی کرده و از خداوند متعال برای رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی ایران، سلامتی و بقای عمر آرزو کرده است.

[اطلاعات، ۶ بهمن ۱۳۵۸]

ـ بنی‌صدر با ۱۰ میلیون و ۷۰۹هزار رای رئیس‌جمهور ایران شد.

مدنی دو میلیون و ۲۲۴هزار و دکتر حبیبی ۶۷۴هزار رای به دست آوردند.

کل آراء اخذ شده در داخل و خارج از کشور ۱۴ میلیون و ۱۴۶هزار و ۶۲۲ رای.

[اطلاعات، ۸ بهمن ۱۳۵۸]

ـ با خروج پاسداران از سنندج دیشب گروهی از سپاه پاسداران کرمانشاه

به بخش کامیاران رفتند و از دیشب تاکنون (۱۰ صبح) درگیری سختی بین پاسداران کرمانشاه و پیشمرگان کُرد شروع شده و گویا تلفات سنگینی به طرفین وارد آمده است.

ـ دیروز پس از خروج پاسداران از سنندج، گروه‌های مختلف مردم این شهر به تحصن خود پایان دادند و در خیابان‌ها راهپیمایی کردند.



باخروج پاسداران ازشهر

تحصن یکماهه مردم سنندج پایان یافت

دیروز ، پس از خروج پاسداران از سنندج گروه‌های مختلف مردم این شهر که از یک ماه پیش در استانداری کردستان ، تحصن کرده بودند ، به تحصن خود پایان دادند و در خیابان ها راهپیمایی کردند .
عکس گوشه‌ای از راه‌پیمایی مردم سنندج را نشان میدهد .
عکس از خبرنگار اطلاعات در سنندج

ـ

دادگاه انقلاب اسلامی پل‌ذهاب برای درهم‌شکستن و خنثی کردن توطئه‌ها بنا به خواست مردم شهرستان قصرشیرین، ده نفر از دبیران که از اول سال تحصیلی جاری تاکنون چند بار تحصن و اعتصاب کرده‌اند،

دستگیر و تحویل زندان داد.
ـ دادگاه انقلاب اسلامی سرپل‌ذهاب برای حفظ آرامش شهر، کلیه مدارس را تا روز سیزدهم بهمن ماه سال جاری تعطیل اعلام می‌دارد ـ سرپرست دادگاه انقلاب اسلامی قصرشیرین ـ عبدالنبی نمازی
[اطلاعات، ۱۰ بهمن ۱۳۵۸]

ـ درگیری‌های خونین کامیاران ۱۵ کشته به جای گذاشت.
حزب کومله که از مدت‌ها قبل با نفوذ در حزب «رزگاری» (رستگاری) آماده خلع سلاح این حزب بود، به دنبال خروج سپاه پاسداران از سنندج، طرح خود را از نیمه‌شب سه‌شنبه آغاز کرد... در کامیاران در ساعت ۳ بامداد دیروز افراد حزب رزگاری در مقابل افراد حزب کومله مقاومت کردند و بین آنها درگیری به وجود آمد. این درگیری منجر به دخالت سپاه پاسداران مستقر در اطراف کامیاران گردید و به دنبال آن جنگ شدیدی میان پیشمرگان کُرد مقیم کامیاران و پاسداران آغاز شد.
[***سپاه رزگاری*** *فعالیت مسلحانه خود را از زمستان ۱۳۵۸ آغاز کرد و بعد از یک ماه، توسط کومه‌له خلع سلاح شد. مسئولین کومه‌له دلایل این عملیات را چنین برمی‌شمارند: «۱ـ رهبران اصلی این سپاه از عوامل سرسپردهٔ رژیم شاه بوده و همواره تکیه‌گاه آن در منطقه به‌شمار می‌رفتند. ۲ـ آنها جزو مالکان مرتجع و متجاوز و وابسته بودند... ۳ـ پس از سقوط رژیم شاه، آنها ارباب‌شان را عوض کرده و به عامل بعث عراق تبدیل شدند.»*]

ـ اطلاعیه سپاه پاسداران غرب کشور:

«... شب گذشته (سه‌شنبه) بعد از درگیری ساختگی بین حزی کومله، عامل امپریالیسم شرق و خزب رستگاری، عامل دست بختیار خائن و با نقشه خلع سلاح شدن حزب رستگاری توسط حزب کومله، بدین‌وسیله با یکدیگر یکی شده و به... برادران پاسدارِ کنترل‌کننده راه‌های ورودی شهر حمله کرده و با کشتن ۶ نفر و تعدادی زخمی از برادران پاسدار، لاجرم سپاه را مجبور به مداخله نظامی کردند...»

[اطلاعات، ۱۱ بهمن ۱۳۵۸]

ـ تا ساعت ۴ بعدازظهر روز پنج‌شنبه در درگیریهای کامیاران و تپه‌های اطراف ۴۳ پاسدار کشته شدند.

ـ تشکیلات سنندج حزب دموکرات کردستان ایران اظهارات آقای **سحابی** را که گفته بود مردم کامیاران از سپاه پاسداران کرمانشاه دعوت نموده‌اند جهت مقابله با افراد کومله و سپاه رزگاری وارد شهر شوند، تکذیب کرد.

سخن‌گوی تشکیلات سنندج حزب دموکرات کردستان ایران اضافه کرد: مردم مبارز کامیاران تاکنون چندین بار جلوی ستون‌های ارتشی را گرفته و از حرکت آنها جلوگیری کرده‌اند و این بار نیز مردم کامیاران نه تنها از پاسداران دعوت ننموده‌اند بلکه چون پاسدارها را دشمن خلق کُرد می‌دانند، به آنها یورش برده و از ورودشان به شهر

جلوگیری کرده‌اند.

ـ صبح دیروز در جریان نبرد پیشمرگه‌ها با پاسداران در کامیاران ۶ نفر از پیشمرگه‌ها... کشته شدند و ۱۱ نفر از اهالی و پیشمرگه‌ها زخمی شدند که یکی از آنها یک کودک ۷ ساله بود.

ـ داریوش فروهر: به عقیده من از بیماری امام خمینی و اینکه علاقمندان نمی‌خواهند خبرهای نگران‌کننده به ایشان داده شود... برخی از دست اندرکاران حکومت، بعضی از مراکز قدرت که طرز فکر خاصی دارند، بهره‌برداری نموده و اکنون بدون توجه به وجود هیئت ویژه دولت برای کردستان...، دست به عملیات خودسرانه زده‌اند.

ـ تلگرام عزالدین حسینی به امام حمینی:

«... صبح امروز (دو روز پیش) عده‌ای از پاسداران و مزدوران آشوبگر مقیم کرمانشاه، خودسرانه به شهر کامیاران حمله کرده و باعث قتل و جرح عده‌ای از اهالی شهر شدند...

[اطلاعات، ۱۳ بهمن ۱۳۵۸]

ـ برخوردهای خونین در کردستان و کرمانشاهان ادامه دارد.

ـ تنها در منطقه قصرشیرین ۱۲۰ مهاجم کشته شدند.

ـ در این زدوخورد (در کامیاران) ۸۰ نفر از افراد قیاده موقت و جاش‌ها وسیله پیشمرگان اسیر شدن.

از سوی دیگر دیروز در شهرهای کردستان و مناطق کردنشین

کرمانشاهان، اطلاعیه‌های بدون امضا پخش شد. در این اطلاعیه‌ها آمده است که یک‌صد پاسدار و افراد قیاده موقت، توسط پیشمرگان کُرد در پاوه اسیر شدند و این گروه در مقابل آزادی معلمان و کارمندان ادارات دولتی که در کامیاران وسیله پاسداران گروگان گرفته شده و بیش از ۴۰ نفر هستند، آزاد خواهند شد.



به‌کلیه کارکنان دولت وام مسکن پرداخت میشود

میلاد حضرت ختمی‌مرتبت و امام صادق(ع)

زدوخورد در مناطق کردنشین ادامه دارد

اطلاعات ۱۲ صفحه

جشنهای سالگرد انقلاب فردا در بهشت زهرا آغاز میشود

برخوردهای خونین در کردستان و کرمانشاهان

بنی‌صدر، فردا در حضور امام سوگند یاد میکند

انفجار و خرابکاری در لوله نفت خوزستان

هشدار حزب دموکرات کردستان

کمیسیون بررسی جنایات شاه در تهران تشکیل میشود

آئین نامه انضباطی مدارس شدیداً اعمال میشود

علی‌اصغر حاج‌سید جوادی و لاهیجی در انتخابات شرکت می‌کنند

هر تهرانی فقط میتواند به کاندیدای منطقه خود رای دهد

علت سقوط هواپیما اعلام شد

ـ یک معلم زن را که در کامیاران به نفع مردم منطقه فعالیت می‌کرد، سر بریده‌اند و اجساد سوخته‌شده‌ی ۲ پیشمرگ کُرد نیز که در منطقه دیواندره به هنگام برگزاری انتخابات دستگیر شده بودند، پیدا شده است.

ـ گفته می‌شود که برادر شیخ عزالدین حسینی همراه اسلحه و پول عراقی در منطقه مریوان دستگیر شده است.

ـ تلگرام دکتر قاسملو به امام خمینی:

«پس از حمله پاسداران به کامیاران و کشتار مردم بی‌گناه، هم‌اکنون درگیری شدیدی در منطقه پاوه جریان دارد. در این درگیری‌ها که از طرف پاسداران ایجاد شده، هلیکوپتر و تانک و حتی فانتوم شرکت کرده و روستاهای بی‌دفاع را بمباران نمودند...

[اطلاعات، ۱۴ بهمن ۱۳۵۸]

ـ بیش از یک‌صد هزار نفر از طبقات مردم سنندج در یک میتینگ و راهپیمایی... شرکت کردند و طی آن تظاهراتی علیه «حزب رزگاری» انجام شد.

[اطلاعات ۱۶ بهمن ۱۳۵۸]

ـ مردم کامیاران تهدید به کوچ دسته‌جمعی کردند.

هفته قبل به دنبال جلسه‌ای که در استانداری کردستان با حضور فرمانده

لشکر ۲۸ و نمایندگان استانداری و تمامی گروه‌های سیاسی تشکیل یافت، تصمیم گرفته شد تا پاسداران از شهر کامیاران خارج شده و امنیت شهر به ماموران ژاندارمری سپرده شود. پس از گذشت تقریبا یک هفته از تشکیل این جلسه و عدم‌ورود ماموران ژاندارمری کامیاران، مردم این شهر اعلام کردند که چنانچه از امروز ظرف ۴۸ ساعت پاسداران، کامیاران را تخلیه نکنند، همگی از زن و کودک و مرد از شهر کوچ خواهند کرد.

ـ حزب دموکرات اعلام کرد که طبق اطلاع موثقی که به حزب رسیده است، آقای **خلیل ملکی** از اهالی «تیله‌کوه» دیواندره با در اختیار داشتن مبلغ ۲ میلیون و ۶۰۰هزار تومان، برای اخلال در امنیت منطقه کردستان سرگرم استخدام جاش می‌باشد.

[اطلاعات، ۲۰ بهمن ۱۳۵۸]

ـ مهندس هاشم صباغیان رئوس طرح تازه خودمختاری کردستان را اعلام کرد:

«در جلسه دو ساعته‌ای که امروز (دیروز) به اتفاق آقای فروهر و هیئت نمایندگی حزب دموکرات داشتیم... هیئت اعزامی حزب دموکرات یک طرح شش ماده‌ای در مورد مسایل کردستان ارائه کرد. رئوس این طرح با طرح ۲۶ ماده‌ای که هیئت نمایندگی خلق کُرد قبلا ارائه کرده بود، تفاوت‌های اساسی دارد... در این طرح آمده است: قلمرو

جغرافیایی مناطق کردنشین با اکثریت اهالی ساکن هر محله تعیین و زبان کُردی در سرزمین کردستان برای مکاتبات اداری و آموزشی در کنار زبان فارسی به رسمیت شناخته شود... ضمنا لغو تصویب‌نامه انحلال حزب دموکرات مورد تقاضای این هیئت بود.»
[اطلاعات، ۱۲ اسفند ۱۳۵۸]

ـ **بنی‌صدر**: تسلیم گروه‌های مسلح نمی‌شویم.
رئیس‌جمهوری در مراسم گشایش سمینار فرماندهان سپاه پاسداران تاکید کرد: «فرماندهان سپاه باید دارای خصلت محبوبیت و قابلیت رهبری باشند... شما باید چنان آموزش ببینید که هر توطئه‌ای را در کم ترین زمان خنثی کنید و از بین ببرید، چنانچه اگر در مسئله گنبد موضوع به سرعت حل نمی‌شد [*«**سرعت عمل**» مورد نظر ابولحسن بنی‌صدر چیزی نبود جز **۲۹** اعدام فراقانونی به روایت سیدمهدی طباطبایی (روحانی اعزامی به گنبد و دادستان بعدی مازندران و گیلان)، ازجمله قتل اعضای ستاد/شورای ترکمن صحرا*] و طول می‌کشید، ممکن بود که جریان امور به صورت دیگری دربیاید... ابدا در فکر من خطور نکرده است که در هیچ جای ایران



بنی‌صدر: تسلیم گروههای مسلح نمیشوم

سازمان چریکهای فدائی خلق :
باندهای سیاهی برای

تسلیم گروه‌های مسلح بشویم. ما باید آمادگی رزمی خودمان را با کمال سرعت افزایش بدهیم تا تمام آثار توطئه را که در نقاط مختلف کشور در گذشته به وجود آمده است، با کمال سرعت به‌خواست خدا از بین ببریم... آن **٤ نفر** [*رهبران ستاد خلق ترکمن*] می‌بایستی محاکمه می‌شدند و من خودم اگر قاضی بودم برای اینطور اشخاص تقاضای اعدام می‌کردم. [*جناب دکتر قلابی حتی نمیدانست آن که تقاضای اعدام یا جز آن را میکند، دادستان است نه «قاضی»!*] چون این‌ها مسلحانه با دولتی که مورد قبول اکثریت نزدیک به اتفاق مردم کشور است، عصیان نظامی کرده‌اند.» [*بنی‌صدر با ۱۰ میلیون رای رئیس‌جمهور شد. در آن تاریخ حدود ۲۰ میلیون نفر واجد شرایط رای دادن بودند. پس جناب دکتر قلابی معنی «اکثریت نزدیک به اتفاق را هم نمی دانست*!]

[اطلاعات، ۱۴ اسفند ۱۳۵۸]

ـ شیخ عزالدین حسینی در یک گفتگوی تلفنی به اطلاعات گفت: ما

در انتخابات نخستین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران شرکت می‌کنیم.

وی در مورد اعزام یک هیئت از سوی حزب دموکرات به تهران و طرح ۶ ماده‌ای جدید خودمختاری کردستان گفت: این هیئت برای رسیدگی به وضع خود حزب به تهران رفته است... شاید طرح ۶ ماده‌ای جنبی باشد و باید بگویم که رسمیت ندارد.

وی سپس به وضع منطقه کردستان اشاره کرد و افزود: وضع کردستان آرام و عادی است و تنها مسئله کامیاران و پاوه وجود دارد که مشکلاتی پیش آورده‌اند. در کامیاران راه‌ها را می‌بندند و محاصره اقتصادی و سیاسی می‌کنند. پاوه و نوسود نیز در محاصره اقتصادی هستند... از سوی دیگر هیئت ویژه مدتی است که کاری با کردستان ندارد و مخصوصا دارند میان توده مردم کُرد تفرقه می‌اندازند و نمی‌خواهند مسئله کردستان حل شود...

ـ دکتر قاسملو وارد سنندج شد و در یک سخنرانی که از طرف حزب دموکرات کردستان ایران، تشکیلات سنندج در سالن تختی این شهر ترتیب یافته بود، شرکت کرد... دکتر قاسملو در قسمتی از سخنان خود در پاسخ به اتهاماتی که از طرف بعضی از گروه‌های چپ‌رو و افراطی کردستان به حزب دموکرات زده می‌شود گفت: همان‌طوری که امام خمینی فرمودند بدخواهان نمی‌گذارند مذاکرات سر بگیرد...

ـ هنگام ورود قاسملو به سالن تختی، گروه‌های هوادار کومله، پیکار و

چریک‌های فدایی خلق در خیابان‌ها دست به تظاهرات زدند و حزب دموکرات را سازشکار خواندند و مذاکرات هیئت نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران را محکوم کردند.

[اطلاعات، ۱۵ اسفند ۱۳۵۸]



مذاکرات نمایندگان کرد
با رئیس جمهوری رضایتبخش بود

بلوریان: این وضع نه جنگ،
نه صلح باید پایان یابد

شیخ عزالدین حسینی :
خلق کرد در انتخابات
شرکت می‌کند
بد خواهان نمیگذارند
مذاکرات سر بگیرد

اعضای هیئت حزب
دمکرات کردستان که به
تهران آمده‌اند از سمت
راست : حسن‌زاده -
احمد قاضی، غنی بلوریان،
فوزیه قاضی و نوبنمینی

دکتر قاسملو : طرح ۶
ماده‌ای حزب دموکرات
طرح ۲۶ ماده‌ای هیات
نمایندگی خلق کردرا نفی
نمیکند

در صفحات ۱۲ و ۱۳

[این هیات نمایندگی که نام اعضای آن در تصویر زیر آمده است، در بهار سال ۵۹ از حزب دموکرات انشعاب کردند. این گروه انشعابی تحت‌تاثیر حزب توده بودند. عبدالله حسن‌زاده از اعضای وقت کمیته مرکزی حزب دموکرات، در کتاب «نیم سده مبارزه» می‌نویسد: «شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی چیزی نبود که

حزب دمکرات بتواند از آن بگذرد. برای حزب ما مهم بود هم درجه نفوذ خود را در میان مردم ارزیابی نمائیم و هم به دولت نشان دهیم که اگر به‌راستی می‌خواهند با نمایندگان واقعی مردم کردستان به مذاکره بنشینند، آن نمایندگان چه کسانی هستند و به کدام حزب سیاسی وابستگی دارند.]

ـ **حجت‌الاسلام مهدوی کنی**، عضو شورای انقلاب و سرپرست وزارت کشور اظهار داشت: «در آیین‌نامه انتخابات قید شده که کاندیدای مجلس شورای ملی باید مومن به مبانی اسلامی باشد و شخصی که صریحا اعلام می‌کند من مارکسیست هستم، نمی‌تواند معتقد به مبانی اسلام باشد و در مجلس یوگند یاد کند. لذا اگر عده‌ای به این دلیل معذور شده‌اند، مغایر قانون نبوده است.»

ـ رئیس‌جمهور [**بنی‌صدر**] در سخنرانی خود در استادیوم ورزشی کرمان گفت: «حالا وقت آن است که ما امنیت کافی در همه نقاط کشور برقرار کنیم و به این گروه‌هایی که گمان می‌کنند که به وسیله تفنگ و گلوله می‌توانند به ما زور خود را تحمیل کنند، باید حالی کنیم که باید منطق اسلام را بپذیرند و به قانون اساسی اسلام تمکین کنند و دست از شرارت و ایستادگی در برابر قدرت قانونی بردارند.»

ـ «سربازان و درجه‌داران انقلابی پادگان مریوان» در اطلاعیه‌ای حمله به پادگان مریوان را در تاریخ ۵۸/۱۲/۶ تکذیب نموده و نوشته‌اند:

«پشتیبانی قاطع خود را از اعلامیه مشترک نیروهای سیاسی در تکذیب

حمله به پادگان، اعلام داشته و تنفر و انزجار خود را از این عمل ساختگی که حدود یک هفته است برای دامن زدن به جنگ و حمله مجدد به نیروهای سیاسی و خلق کُرد زمینه‌چینی می‌کنند، ابراز می داریم...»

[اطلاعات، ۱۶ اسفند ۱۳۵۸]

ـ دکتر **ابولحسن بنی‌صدر** دیروز در اجتماع نمایندگان سپاه پاسداران که از سراسر کشور به تهران آمده‌اند، در مقام فرمانده کل قوا:

«... خود این مسئله که با فداکاری شما موضوع **گنبد** و **ترکمن‌صحرا** تا حدود زیادی حل شد و یک کانون مقاومت رسمی در برابر حکومت از بین رفته است و یک تحولی که در جوّ عمومی **کردستان** مشاهده می‌شود، این نوید را می‌دهد که ما به خواست خدا بتوانیم در روزهای آخر سال ۵۸ و در اوایل سال ۵۹ به طور قطع حاکمیت انقلاب اسلامی را در همه جا مستقر کنیم.» [***بنی‌صدر*** *علیرغم انکارها و کتمان‌های بعدی، در اینجا به‌طور شفاف «نوید» سرکوب قطعی جنبش خلق کُرد در بهار ۵۹ را می‌دهد. خیمه‌شب‌بازی «هیئت حسن‌نیت» چیزی نبود جز کسب فرصتی برای تجدیدقوا و همچنین پشت سر گذاشتن بحران گروگان‌های آمریکایی و احتمال حمله نظامی آمریکا و از همه مهم‌تر*

برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس شورای ملی. بنی‌صدر ناخواسته افشا می‌کند که همزمان با «مذاکره»، سرکوب بهار ۵۹ برای خلق کُرد، در حال برنامه

ریزی بوده است.]

[اطلاعات، ۱۸ اسفند ۱۳۵۸]

ـ وزارت کشور با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «به قرار گزارشات واصله از سنندج و به علت حاکم نبودن جوّ آزاد و آرام انتخاباتی و وجود نیروهای مسلح غیرمسئول... انتخابات مجلس شورای ملی در حوزه انتخابیه مذکور تا اطلاع ثانوی متوقف می‌گردد... محمدرضا مهدوی کنی ـ سرپرست وزارت کشور»

[اطلاعات، ۲۰ اسفند ۱۳۵۸]

ـ از سوی شیخ عزالدین حسینی در رابطه با به تعویق افتادن انتخابات مجلس شورای ملی در سنندج اطلاعیه‌ای انتشار یافت:

«... وزارت کشور به بهانه وجود گروه‌های مسلح در شهر سنندج انجام انتخابات در این شهر را به تعویق انداخته است. نیروهای مترقی ایران و آزادیخواهان سراسر کشور که به کردستان سفر کرده‌اند، شاهد هستند در همه شهرهای کردستان نظم و امنیت کامل برقرار است. در حالی که هر روز روزنامه‌ها از درگیری‌های خونین و حمله‌ی چماقه‌به‌دستان به تظاهرات و اجتماعات مردم و برخوردهای شدید خیابانی از اکثر نقاط کشور خبر می‌دهند، کردستان در آزادی و امنیت به سر می‌برد...»

[اطلاعات، ۲۲ اسفند ۱۳۵۸]

ـ هیئت نمایندگی خلق کُرد درباره محاصره اقتصادی اورامانات و نوسود، تلگرامی [به تاریخ ۵۸/۱۲/۲۱] به رئیس‌جمهوری کشورمان مخابره کرد:

«... به‌طوری که اطلاع دارید اینک بیش از یک ماه است که ساکنان مناطق اورامانات و نوسود در محاصره شدید اقتصادی به سر می‌برند و نیروهای انتظامی و ارتش از ارسال مواد غذایی، سوخت و دیکر موارد مورد احتیاج به مردم، جلوگیری می کنند و اکنون خطر مرگ، مردم آن سامان را تهدید می کند...»

[اطلاعات، ۲۳ اسفند ۱۳۵۸]

ـ حزب دموکرات کردستان، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله)، سازمان فدائیان خلق و حزب زحمتکشان کردستان ـ شاخه سنندج ـ دیروز تشکیل یک ستاد مشترک برای اداره شهرستان سنندج را اعلام کردند. این ستاد در مذاکره با هیئت انتخابی دولت نقشی ندارد.

[اطلاعات، ۲۷ اسفند ۱۳۵۸]

ـ سخنرانی **بنی‌صدر** در نمازجمعه.

در مورد توطئه‌هایی در گوشه وکنار مملکت بوده آقای بنی‌صدر گفت مسایل آذربایجان و گنبد به امید خدا به‌طور کلی رفع شده است. در

کردستان هم وضع به بدی سابق نیست. اما هنوز وضعیتی نیست که ما بتوانیم بگوییم در آنجا ما موقعیت مطلوبی داریم. دلیل‌اش این است که ما حاضر نیستیم یک ذره از خاک کشورمان را به دست گروه‌هایی بدهیم که ما مطمئن نیستیم که میهن اسلامی‌شان را دوست دارند. مطمئن نیستیم که کشور ما را به سوی تجزیه نخواهند برد.

[اطلاعات، ۶ فروردین ۱۳۵۹]

ـ حقگو استاندار آذربایجان غربی بامداد امروز در گفتگویی با خبرگزاری پارس در ارومیه، بار دیگر تاکید کرد که ارتش مصمم است برنامه‌های منظم و مانورهای خود را در منطقه ادامه دهد.

استاندار آذربایجان غربی افزود: در مورد نتایج برخوردهای عصر دیروز در منطقه بین نقده و اشنویه، گزارش‌های ضدونقیضی به وی رسیده... برخی از اهالی اشنویه ادعا می‌کنند در برخوردی که در نزدیکی روستای «قلعه‌لر» روی داد، تعدادی از اهالی این روستا کشته و زخمی شدند...

ـ یکی از مسئولین حزب دموکرات کردستان در مهاباد در رابطه با وقایع اشنویه به خبرنگار کیهان گفت: اوضاع مناطق ارومیه و اشنویه ناآرام است و مسئولیت این ناآرامی مستقیما به عهده فئودال‌های منطقه است... متاسفانه ارتش یک ستون از نیروهای خود را به ارومیه فرستاده است و فئودال‌های منطقه از قبیل حاجی سامی و سید موسی باعث تحریک می

شوند...

وی همچنین گفت: ارتش با توپ به روستای «قلاتان» حمله کرده و گروهی در این حمله کشته و مجروح شده‌اند.

ـ کریم حسامی یکی دیگر از مسئولین حزب دموکرات در مورد وقایع اشنویه گفت: شب گذشته تلفنی به ما اطلاع داده شد که عده‌ای از پاسداران و سه تانک ارتش به طرف این منطقه در حال حرکت بودند و در وسط راه در قریه «**قلاتان**[۴]» درگیر شدند. در اثر این درگیری ۱۷ نفر از مردم کشته و مجروح شدند.

ـ پیام حزب دموکرات کردستان ایران (تشکیلات ارومیه):

«... از شما پیشمرگان عزیز می‌خواهیم تا حصول نهایی نتایج مذاکرات سودمندی که هم‌اکنون با جناب استاندار آذربایجان غربی در جریان است، از گسترش هرگونه درگیری خودداری نمائید و در همان حال از ژاندارمری و ارتش می‌خواهیم از گلوله‌باران دهکده‌های کُردنشین خودداری و به پایگاه‌های اصلی خود برگردند... پیروزباد انقلاب شکوهمند ایران به رهبری قائد اعظم امام خمینی ـ مرگ بر عمال امپریالیسم و ارتجاع.»

ـ هیات‌های نظارت بر انتخابات شهرستان‌های سقز و مریوان... با ذکر دلایلی از رئیس‌جمهور خواسته‌اند که نتیجه انتخابات این دو شهر پذیرفته شود و نمایندگان مردم سقز و مریوان به مجلس راه یابند:

«آقای رئیس‌جمهور ابطال انتخابات این شهرها از سوی وزارت کشور

امری خودسرانه است و آقای سرپرست وزارت کشور بدون احساس مسئولیت، بدون توجه به واقعیت‌ها و صرفا به استناد گفته‌های آقای **صباغیان** که اصولا نسبت به کردستان موضع خصمانه‌ای دارند، اقدام به ابطال انتخابات کرده‌اند.

[کیهان، ۷ فروردین ۱۳۵۸]

ـ طی یک حمله به روستای «**قالاتان**[٤]» اشنویه، بیش از ۱۶ نفر از روستائیان کشته شدند... در روز ۶ فروردین یک گروه از افراد ژاندارمری و افراد غیرنظامی مسلح وارد روستای «قالاتان» در ۱۰ کیلومتری اشنویه شدند.

ساکنین روستا در حالی که سرگرم کار روزانه بودند، به طرف کوه‌ها و اطراف روستا فرار کردند و ۲۶ نفر نیز در خانه‌های خود و طویله‌ها و انبار مخفی شدند.

پس از خارج شدن افراد نظامی از روستا، اعلام شد که تاکنون جنازه ۱۶ نفر از روستائیان در مقابل خانه‌های‌شان به دست آمده و ۱۰ نفر نیز که به ضرب گلوله مجروح شده بودند، توسط مردم اشنویه به بیمارستان این شهر انتقال یافتند.

اسامی کشته‌شدگان به این شرح اعلام شد: حاج‌حسن قدسی (۷۰ ساله)، حاج‌محمد بایزید (۷۵ ساله)، رمضان منع‌آو (۱۱۰ ساله)، رسول عبدالله (۶۰ ساله)، عبدالله قربانی (۵۰ ساله)، محمد کرده (۵۰ ساله)، عثمان

امانی (۳۰ ساله)، محمدامین عباسی (۳۰ ساله)، حسن حمزه کوهکن (۲۲ ساله)، کلهر بیدوح (۱۸ ساله)، عبدالله آق‌لیانی (۱۷ ساله)، اسماعیل حمیدی (۱۵ ساله)، قادر رستمی (۳۵ ساله) و رحمان مینا حورک (۴۵ ساله)

ـ دیروز خبرنگار اطلاعات از پیرانشهر گزارش داد: چند نفر از اهالی روستای «قالاتان» که از اطراف اشنویه گریخته و به پیرانشهر آمده‌اند، اظهار داشتند که چهارشنبه گذشته [۶ فروردین] فئودال‌های نقده با پشتیبانی افراد مسلح به روستای مذکور حمله کرده و عده‌ای از ساکنین بی‌دفاع روستا را به قتل رسانده‌اند.

این عده افزودند: ۱۹ نفر از اهالی روستای «قالاتان» که در تنورهای روستا، کوره‌راه‌ها و کوچه‌ها خود را پنهان کرده بودند، در این حمله به قتل رسیدند.

ـ طی تلگرامی به رئیس‌جمهور، کُردهای نقده در مورد جلوگیری از توطئه جنگ‌افروزان هشدار دادند:

بعدازظهر روز چهارشنبه به علت تهاجم عوامل معلوم‌الحال و گروهی فئودال، در روستای «قلعه‌لر» همچون روستای قارنا گروهی بی‌گناه کشته شدند. وضع منطقه «سلدوز»، به‌خصوص شهرستان نقده، با ایجاد جو ضدکُردی به وسیله این عناصر، متشنج شده است...

سخنان استاندار آذربایجان غربی [جمشید حق‌گو] سرپوشی است بر این توطئه‌ها که می‌خواهند دوباره آتش جنگ و برادرکشی را در بین کُرد

و تُرک برافروزند.

ـ به مناسبت سالگرد شهادت دکتر **هاشم احمدزاده**، استاد دانشگاه ارومیه، هزاران تن از اهالی بانه به راهپیمایی پرداختند... در این مراسم پیام‌هایی از طرف خانواده شهید، سازمان چریک‌های فدایی خلق (شاخه کردستان)، دفتر شیخ عزالدین حسینی، سازمان زحمتکشان کردستان (کومله)،... حزب دموکرات کردستان (شاخه بانه)، کانون مستقل معلمان ایران و.... قرائت شد. [*هاشم احمدزاده، استادیار ۳۵ ساله‌ی دانشگاه ارومیه، در اول فروردین سال ۵۸ و در منزل مسکونی خود با شلیک سه گلوله کشته شد.*]

ـ دفتر سید عزالدین حسینی از رهبران سیاسی ـ مذهبی کردستان در ارتباط با حادثه **قه‌لاتان** اطلاعیه‌ای انتشار داد که در آن آمده است: «در روز چهارشنبه ۱۳۵۹/۱/۶ نیروهای نظامی از نقده به سوی اشنویه حرکت کرده با گلوله‌باران روستاهای کردنشین و پرتاب گلوله توپ به ارتفاعات شهر اشنویه، به مردم منطقه اعلان جنگ داده‌اند و در ساعات بعدازظهر به روستای **قه‌لاتان** ریختند و عده‌ای را کشتند. نیروهای نظامی پس از این عملیات (ضربتی) به نقده بازگشتند و مجروحان و جنازه‌های شهدا را مردم به اشنویه منتقل نمودند...»

ـ در تماسی که صبح امروز در مورد اخبار حمله ارتش به دهکده «قه لاتان» با [***بنی‌صدر***] ریاست جمهوری گرفته شد اعلام کرد:

«آنچه مسلم است به ستون ارتش حمله شده و ارتش نیز با قاطعیت

جواب داده است.» [*و البته از نوجوان ۱۵ ساله تا پیرمرد ۱۰۰ ساله را به قتل رسانده است!*]

مشاور فرهنگی و مطبوعاتی رئیس‌جمهور در یک تماس تلفنی تاکید کرد آقای **بنی‌صدر** اظهارات عزالدین حسینی در مورد مسایل اخیر کردستان را نادرست می‌داند و به همین خاطر در سالروز جمهوری اسلامی ایران، مطالب مهمی را با ملت ایران در میان خواهد گذاشت. [اطلاعات، ۱۰ فروردین ۱۳۵۹]

ـ در پی اعلام هیئت نمایندگی خلق کُرد دائر بر این که ارتش برای پشتیبانی از ژاندارمری و پاسداران، روستاهای مناطق کردنشین را به توپ بسته است، رئیس ستاد ارتش [تیمسار شادمهر] این مسئله را شدیدا تکذیب کرد...

هیئت نمایندگی خلق کُرد در اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که ژاندارم ها و پاسداران و مزدوران **معبودی** به دهکده قلاتان حمله کرده و ۳ پیشمرگ و ۱۷ تن از روستائیان کشته و ۲۰ نفر زخمی شده‌اند... ارتش به پشتیبانی از ژاندارم‌ها، پاسداران و مزدوران، روستاها را به توپ بسته است، که از سوی رئیس ستاد ارتش این اظهارات شدیدا تکذیب شد.

ـ رئیس ستاد مشترک ارتش: «استقرار ارتش در غرب به خاطر تمرین آموزش رزمی است... ارتش تاکنون ۷ کشته و ۱۴ مجروح داشته است.»

ـ **شیخ عزالدین حسینی** طی گفتگویی اختصاصی با کیهان:

«... فئودال‌های مستقر در منطقه که همگی ایادی مسلح در اختیار دارند، این درگیری‌ها را ایتدا به وجود آوردند و سپس دامن زدند و اکنون وضعی به وجود آمده که مردم روستاهای اطراف اشنویه، خانه و کاشانه خود را رها کرده و به مناطق امن دیگر کوچ کرده‌اند.»

ـ **بنی‌صدر**: «... در انتخابات مجلس جمعا ۱۰/۵ میلیون نفر شرکت کرده‌اند. اگر فرض کنیم انتخابات بدون غش هم بوده باشد، مجلس منتخب، نماینده ۵/۲ میلیون نفر از مردم کشور می‌شود. یعنی نماینده ۲۶ تا ۲۷ درصد رای‌دهندگان. این مجلس نصف آرائی را پشت سر دارد که رئیس‌جمهور به دست آورده است و نماینده یک‌چهارم رای دهندگان بیشتر نیست.» [*این حساب و کتاب مغلوط را بگذارید پای دکترای نداشته‌ی جناب بنی‌صدر! ولی واقعیت‌های آمار رسمی مربوط به انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی به این شرح بوده است:*

جمعیت واجد شرایط برای رای دادن: ۲۰ میلیون و هشتصدوپنجاه نفر/ تعداد شرکت کنندگان: ۱۰ میلیون و هشتصدوهفتاد نفر/ نرخ مشارکت: ۵۲/۱۴ درصد.][۵]

[کیهان، ۱۰ فروردین ۱۳۵۹]

ـ تلگرام دکتر عبدالرحمن قاسملو به امام خمینی:

«... هم‌اکنون درگیری در اطراف ارومیه ادامه دارد و ارتش و ژاندارمری و پاسداران با تانک و توپ و هلیکوپتر به روستاهای کردنشین حمله می کنند. در شهر ارومیه بسیج و جهاد عمومی علیه خلق کُرد اعلام شده

است... حضرت امام تا دیر نشده به ارتش و ژاندارمری دستور بدهید از جنگ‌افروزی بیش از این در کردستان بپرهیزند. در غیر این صورت مردم کردستان با تمام قوا از آزادی و موجودیت خویش دفاع خواهند نمود...»

ـ اطلاعیه **سازمان مجاهدین خلق** در رابطه با وقایع کردستان:



دستهای کهنه کار در کردستان آتش می‌افروزد

اطلاعیه زیر در رابطه باوقایع کردستان ، ازسوی سازمان مجاهدین‌خلق‌ایران منتشر شده است،

بنام خدا

... و بنام خلق قهرمان ایران

طبق اخبار واصله باردیگر دست های توطئه‌گر و آتش افروز عده‌ای از مردم زحمتکش و ستمدیده کردستان را در روستای مقلاتان به‌خاک و خون کشیده‌اند .

سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن عرض تسلیت بمقام مردم ایران و بویژه خواهران و برادران مزیزمان در کردستان از مقامات مسئول میخواهد که موآمل دست‌اندرکار این فاجعه ملی هرچه سریعتر معرفی و مجازات شوندهمچنین میپرسیم که آیا این خونریزیها و تفرقه انگیزیها آنهم در کوران انتخابات و درست بلافاصله پس از آنکه یکی از رهبران کرد (آقای دکتر عبدالرحمن قاسملو) برای برنامه رادیو و تلویزیونی به تهران دعوت شده است مبین اینن نیست که دست های ناپیدا کار آتش افروز همچنان قصد تازه کردن زخمهای کهنه و تفرقه ملی و اخلال درحل و فصل مسالمت‌آمیز مساله کردستان را در سر میپرورانند ؟

و مگرنه اینست که امام خمینی دو پیام تاریخی مورخ ۲۶ آبان خود براعاده حقوق مردم کردستان وبازگشت‌صلح و آرامش برمطلقه تاکید نموده و رئیس جمهوری نیز حق خودمختاری خلق کرد را پذیرفته است ؟

دست‌های توطئه‌گر و آتش‌افروز، عده‌ای از مردم زحمتکش و ستم دیده کردستان را در روستای **قلاتان** به خاک و خون کشیده‌اند...

[اطلاعات، ۱۱ فروردین ۱۳۵۹]

ـ سخنرانی دو ساعته **بنی‌صدر** در جشن باشکوه روز جمهوری اسلامی:

«... غالبا سوال می‌شد به گمان اینکه من آزادی‌گرا و لیبرال هستم و وانمود می‌کردند که قاطعیت انقلابی در کار نخواهد آمد، بنابر این در **کردستان** در **گنبد** و در جاهای دیگر اگر کسانی باشند که بخواهند از فرصت سوءاستفاده کنند و در این نقاط مسلحانه یا غیرمسلحانه امنیت و یکپارچگی کشور را به خطر بیندازند، من آنها را به بحث دعوت

خواهم کرد و جواب گلوله را با حرف خواهم داد... ما هم در گنبد و هم در کردستان با قاطعیت در برابر هر توطئه‌ای ایستاده‌ایم... در اینجا لازم است از نقش ارتش و سپاه انقلاب که با قاطعیت توطئه‌ای مسلحانه را درهم شکسته [*منظور کشتار در شهر گنبد و ترکمن‌صحرا است*] ستایش کنم...

من بر این باور بودم که مردم کردستان جدایی از ایران را به هیچ قیمت نه می‌خواهند، نه زیر بار می‌روند، نه تحمل می‌کنند... بنابر این من به این مردم گفته‌ام که هر وقت آنها بخواهند ارتش با نیروهای مسلح ما آماده‌اند از خواست آنان پیروی نمایند و عناصر مسلحی را که می خواهند به زور اراده خودشان را بر مردم آن سامان و به ملت ما تحمیل کنند، بر سر جای‌شان بنشانند...

دولت ما در سال، ۶۵ میلیون مالیات از کردستان می‌گیرد که سال قبل هم نگرفت، و تنها خرج دستگاه دولتی و ژاندارمری و ارتش ۱۴۰۰ میلیون است، یعنی ما ۲۰ برابر مالیات استان کردستان، در کردستان خرج دولتی داریم. [*منظور از «خرج دولتی» هزینه‌ای است که صرف ارتش و سپاه و بمباران کشتار مردم کردستان شده است*!]

اینک من حرف‌ام را زدم و تکرار می‌کنم ما گروه‌های مسلح را در آنجا تحمل نمی‌کنیم... در آذربایجان غربی عده‌ای را به گروگان گرفته‌اند، سه روحانی فرزند پیغمبر را کشته‌اند و ۶ نظامی را تهدید کرده‌اند که اگر تا ۲۴ ساعت پادگان‌های ژاندارمری را منحل نکنید، و چون عده‌ای

از آنها نیز گرفتار شده‌اند، گفته‌اند اگر گروگان‌های ما را رها نکنید، ما گروگان‌های شما را خواهیم کشت... **از همین لحظه ارتش حق ندارد پوتین از پای درآورد مگر آنکه آن خطه را از وجود یاغی‌ها پاک کند.**

[اطلاعات، ۱۴ فروردین ۱۳۵۹]


امام: برای رضای خدا دست از اختلاف بردارید

۱۰ پاسدار در اطراف ارومیه ناپدید شدند

سفیر سویس ارسال پیام های امریکا به ایران را تایید کرد

اطلاعات

چاپ دوم

۱۲ صفحه

مذاکرات امیدوارکننده نماینده امام با رهبران دموکرات کردستان

جشن باشکوه روز جمهوری اسلامی در سراسر کشور

رئیس جمهوری به گروههای مسلح دستور خلع سلاح داد

برنامه های دولت عراق برای ایجاد آشوب در ایران

حمله مسلحانه به معاون نخست وزیر عراق

تاریخ

ـ عزالدین حسینی: سخنان نماینده امام، کُردها را امیدوار کرد اما سخنان رئیس‌جمهوری این امید را به یاس مبدل ساخت...

آقای رئیس‌جمهوری که تاکنون کردستان را ندیده است، چگونه درباره آن نظر می‌دهد؟... نمی‌دانم از چه منبعی این خبرها که در اینجا مردم آزاد نیستند به ایشان می‌رسد... آقای رئیس‌جمهور برای خائنین به

خلق کُرد، برای فئودال‌هایی که خون خلق کُرد را ریختند، درود و صلوات و تکبیر می‌فرستند.

ـ در سنندج مردم در مخالفت با سخنان رئیس‌جمهوری در مورد کردستان، دست به راهپیمایی زدند.

ـ سازمان پیشمرگان مسلمان کُرد [*در همین شماره روزنامه اطلاعات، این گروه با عنوان «همکاران سپاه پاسداران» معرفی شده‌اند.*] مستقر در کرمانشاه اعلام کرد:... عملیات پاکسازی منطقه شروینه از عوامل احزاب مسلح کُرد، توسط سازمان پیشمرگان [*مسلمان*] کُرد، شاخه جوانرود، پایان یافت. منطقه مذکور تاکنون روستاهای فولادی، کانی‌مداران، گروک، علی‌آباد ساسل ـ بکرمان و چند روستای دیگر را از عوامل مزدور بیگانه پاک کردند.

ـ نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان خطاب به رئیس‌جمهوری:

«... چند روز پس از انتخاب جنابعالی به ریاست جمهوری بود که پاسداران کرمانشاه به کمک ارتش و مزدورانی که خود را پیشمرگان مسلمان می‌نامند به کامیاران حمله کردند... هنگامی که آقای فروهر به ما اطلاع دادند که توافق سنندج، در کامیاران اجرا می‌شود، خوشحال شدیم. اما جناحی از سپاه پاسداران، وقعی به دستور شما ننهاد و تنها ما بودیم که به منظور جلوگیری از گسترش درگیری‌ها به وعده خود عمل کردیم. آیا شما به عنوان رئیس‌جمهور در مقابل زنان و کودکان آواره

کامیاران مسئولیت ندارید؟

استاندار جدید کرمانشاه [***بهروز ماکویی***[۵]] که گویی وظیفه‌اش تنها و تنها افروختن جنگ برادرکشی در کردستان است و فعالیت گسترده ای در این رابطه از خود نشان می‌دهد...

هماکنون که این نامه را برای جنابعالی می‌نویسیم، در منطقه مرگور و سرگور از اطراف ارومیه درگیری وجود دارد. ژاندارمری کشور نزدیک به یک‌هزار نفر را در این منطقه به عنوان **جوانمرد** مسلح نموده و به آنها ماهیانه می‌پردازد. اینان چه کسانی هستند؟ فئودال‌های پیشین، ساواکی‌های سابقه‌دار، ملاکینی که یک‌سال تمام است با اطلاع کامل مقامات کشور در ارومیه دهقانان زحمتکش را از روستاها رانده‌اند و املاک آنان را تصاحب نموده‌اند. سردسته این فئودال‌ها **رشید جهانگیری** است که یکی از نزدیک‌ترین همکاران ساواک و شخص صیادیان، رئیس ساواک استان آذربایجان غربی بود!

در چنین شرایطی آیا تعیین **ظهیرنژاد**، شریک جرم جنایت‌های نقده و قارنا، به فرماندهی کل ژاندارمری جز دهن‌کجی به خواست مردم کردستان معنای دیگری می‌تواند داشته باشد؟ این آقا موقعی که فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه بود، کینه‌توزی خود را نسبت به خلق کُرد و خواست های او اثبات نمود...

جناب دکتر **بنی‌صدر**، جنابعالی در پیام نوروزی و هم‌چنین در

سخنرانی‌های قبلی خود از دو مسئله که به کردستان مربوط می‌شود، سخن می‌رانید: نخست این که از گروه‌های مسلح می‌خواهید که اسلحه خود را زمین بگذارند، اعلام می‌کنید که حاضر نیستید زیر فشار گروه های مسلح بروید. اولا باید خدمت‌تان عرض کنیم که متاسفانه تاکنون چندین‌بار به فشار این گروه‌ها تسلیم شده‌اید، نمونه‌اش عدم‌اجرای دستور شما از سوی جناحی از پاسداران کرمانشاه در مورد کامیاران و نوسود است، ثانیا اگر حزب ما را هم جزو گروه‌های مسلح حساب می کنید،... جنابعالی مثل اینکه فراموش کرده‌اید که یک جنگ سه ماهه، بر مردم کردستان تحمیل شده و طی این جنگ صدها نفر از فرزندان کردستان شهید شده‌اند. حالا جنابعالی بدون مقدمه از مردم کردستان که چند ماه پیش در زیر رگبار آتش هلیکوپترها و فانتوم‌ها بودند، می خواهید که به همین سادگی و بدون تحقق خواست‌های‌شان اسلحه را زمین بگذارند...»

[اطلاعات، ۱۶ فروردین ۱۳۵۹]

ـ اعلام جرم خبرنگار اطلاعات علیه کمیته انقلاب مرکز ارومیه:

«احتراما به استحضار میرساند: مقارن ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۱۰ فروردین، عده‌ای از هواداران سازمان مجاهدین خلق در اعتراض به آتش کشیده شدن دفتر انتشارات مجاهد در ارومیه، مقابل دبیرستان دکتر شریعتی اجتماع نموده بودند که اینجانب جهت تهیه خبر و عکس

در محل حضور داشتم. در این موقع عده‌ای مسلح به انواع سلاح‌های سرد از قبیل چوب و چماق و چاقو و میله آهنی به اجتماع‌کنندگان حمله‌ور شدند و مرا که مشغول تهیه عکس از این صحنه بودم، تحویل کمیته مرکزی دادند... افراد کمیته با وقوف کامل به این که بنده خبرنگارم، با وحشیانه‌ترین وضعی مرا در زیر ضربات بی‌رحمانه مشت و لگد و قنداق تفنگ گرفتند و در حالی که غرق در خون و نیمه‌جان بودم، بر روی یک تخت انداختند و دوربین و فیلم داخل آن را ضبط کردند... اینک اعلام جرم خود را بر علیه افراد کمیته مرکزی ارومیه که تحت‌نفوذ امام‌جمعه شهر **ملاحسنی** می‌باشد،... تقاضای رسیدگی عاجل دارم.... یدالله آزادی‌طلب»

[اطلاعات، ۱۷ فروردین ۱۳۵۹]

ـ پاسخ **تیمسار ظهیرنژاد** به نامه سرگشاده دکتر قاسملو، در یک گفتگوی مطبوعاتی.

تیمسار ظهیرنژاد در مورد چگونگی وقوع حادثه خونبار روستای «قارنا» گفت: «پادگان جلدیان متعلق به ژاندارمری است که قبلا یک پادگان آموزشی بود. بعد از انقلاب در شهریور ماه سال گذشته این پادگان تقریبا خالی از عناصر رسمی ژاندارمری بود و در حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ نفر از جوانان نقده به عنوان **جوانمرد** استخدام شده بودند. روز ۱۱ شهریور ماه ۵۸، ۱۸ نفر از این عده سوار مینی‌بوس شدند تا به دیدن خانواده‌های

خود در نقده بروند. ۵ یا ۶ کیلومتر دورتر در نزدیکی پاسگاه ژاندارمری «دوآب» گروهی از افراد مسلح حزب دموکرات آنها را زیر آتش گلوله گرفتند. ۱۵ نفر در جا کشته شدند. یکی از سرنشینان مینی‌بوس که مجروح شده بود خود را به پادگان جلدیان رساند و به رفقای خود گفت که همه را کشتند و عناصر موجود در پادگان که از قتل ۱۵ نفر از همقطاران خود به خشم آمده بودند، اسلحه برداشتند و به قصد انتقام جویی از پادگان بیرون رفتند... افراد خشم‌آلود پادگان تا آنجا که من اطلاع دارم به «قارنا» رفتند و ۴۱ نفر و یا به ادعای حزب دموکرات ۴۶ نفر را کشتند.»

[اطلاعات، ۱۸ فروردین ۱۳۵۹]

ـ ادامه گفتگو با **تیمسار ظهیرنژاد**

تیمسار ظهیرنژاد در مورد ادعایی که شخصی به نام «**بهادران**» در مورد مسلح شدن فئودال‌های منطقه به دست ظهیرنژاد در جراید نوشته بود، گفت:

«... او ادعا می‌کرد نماینده امام خمینی است و شروع به دادرسی قضایی کرده بود. می‌پرسم او روحانی بود یا علم حقوق خوانده بود که آن زمان خودسرانه[٦] در منطقه برای خود کرسی فرعونی در ست کرده بود؟ از ایشان کارت نمایندگی امام را خواستم نداد و بعد از یک ماه کارت ویزیت آیت‌الله منتظری ارائه داد... از دفتر امام سوال کردم گفتند

او نماینده ما نیست، بیرونش کنید....»
[اطلاعات، ۲۰ فروردین ۱۳۵۹]

ـ اطلاعیه نیروی زمینی در مورد نقل و انتقالات کردستان:
«پیرو اطلاعیه‌های قبلی مبنی بر نقل و انتقالات واحدهای نظامی به منظور تعویض سربازانی که خدمت آنان منقضی شده است و انجام تمرین‌های آموزش نظامی، مجددا به استحضار عامه‌مردم و به‌خصوص خواهران و برادران کردستانی می‌رساند که برخلاف شایعه‌پراکنی‌های مغرضانه پاره‌ای عناصر شناخته‌شده... هیچ‌گونه طرحی برای عملیات نظامی و درگیری با هموطنان در نظر نیست...»

ـ **مهدی بهادران**، تیمسار ظهیرنژاد را به مناظره دعوت کرد:
«... اینجانب طی مقاله‌ای به جراید، آمادگی خود را جهت مناظره با مسئولین امر، در خصوص کشتار **قارنا** در جواب اظهارات دکتر چمران اعلام نموده که فقط در روزنامه اطلاعات مورخه ۵۸/۱۲/۲۲ درج گردید که متاسفانه با سکوت مقامات مربوطه برگزار شد.
اینک نیز برای روشن شدن اذهان ملت ایران و در پاسخ به گفته‌های تیمسار ظهیرنژاد، بدین‌وسیله مجددا آمادگی خود را جهت این مناظره نیز اعلام می‌دارم.»
[اطلاعات، ۲۶ فروردین ۱۳۵۹]

ـ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در رابطه با درگیری‌هایی که در هنگام جابه‌جایی ستون‌های نظامی در غرب کشور به وجود آمده است، طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد هیچ عاملی مانع از اجرای ماموریت های ارتش جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود.

ـ سنندج سنگربندی شد.

ـ دیروز توسط گروه‌هایی، از ورود ستون نظامی ارتش به سنندج جلوگیری شد. در پی این اقدام ستون ارتش در فرودگاه سنندج استقرار یافت و به سرعت مردم در شهر، اقدام به سنگربندی کردند.

... مردم سنندج اعلام کردند که اجازه عبور ستون اعزامی ارتش از کرمانشاه به سنندج را نخواهند داد. [*مردم معتقد بودند که برخلاف ادعاهای ستاد ارتش، این نقل و انتقالات جهت تقویت پادگان سنندج صورت می‌گیرد.*]

ـ درگیری شدید ارتش با گروه‌های مسلح در «دره قاسملو»



حدود ساعت ۱۲ دیروز هنگامی که یک ستون ارتشی از «دره قاسملو» (۲۰ کیلومتری ارومیه) عبور می کرد، مورد حمله شدید گروه‌های مسلح قرار گرفت.

[اطلاعات، ۲۸ فروردین ۱۳۵۹]

ـ ساعت ۶ بامداد امروز (دیروز) افراد ارتشی که از پادگان سقز خارج شده بودند با گروه‌های مسلح این شهر درگیر شدند که در نتیجه عده ای از طرفین کشته و زخمی شدند.

ـ در پی درگیری‌های سقز، این شهر به محاصره درآمده است و زدوخورد در سقز ادامه دارد.

ـ استمداد حزب دموکرات کردستان از امام:



«... هم‌اکنون ارتش روستاهای کردنشین را از ماکو گرفته تا اشنویه، با فانتوم و هلیکوپتر و توپ و تانک می‌کوبد... ما از آن حضرت می‌پرسیم در حالی که از سوی دولت ترکیه، مرزهای ایران مورد تهدید قرار نگرفته، هدف ارتش از پیش‌روی به سوی روستاهای کردنشین و بمباران آنها در نوار مرزی ترکیه چیست؟

حضرت امام، حزب ما مانند گذشته یک‌بار دیگر با صراحت کامل اعلام می‌کند که کردستان در حال انفجار است...»

ـ پریشب هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم سنندج با وجود هوای سرد، در مدخل (راه‌های ورودی) شهر شب را به صبح رساندند. این عمل در پی مخالفت مردم این شهر با ورود یک ستون نسبتا سنگین نظامی اعزامی از کرمانشاه، انجام گرفت.

[اطلاعات، ۳۰ فروردین ۱۳۵۹]

ـ سخن‌گوی حزب دموکرات کردستان ایران در مهاباد:

جنگ در سقز به سختی ادامه دارد... تاکنون ۲۰ تا ۳۰ خانه در سقز ویران شده و امروز (دیروز) ۳۰ نفر از مجروحین سقز به بیمارستان بوکان انتقال یافته‌اند. قوای نظامی نیز صبح دیروز از پزشکان سقز برای مداوای زخمی‌ها کمک خواستند، ولی با توجه به سابقه برخوردهای قبلی، پزشکان بیمارستان را ترک کردند و مخفیانه به کار پرداختند...

تاکنون سه فروند هلیکوپتر و یک فروند فانتوم در سنندج مورد اصابت

گلوله پبشمرگان قرار گرفته است.

ـ سرهنگ صدری فرمانده لشکر ۲۸ کردستان، در مورد **سرگرد ثانی مقدم** که گفته می‌شد عضو ستون نظامی است و دستگیر شده است، گفت: او عضو ستون نبوده و در خانه‌اش دستگیر شده است.

ـ سپاه پاسداران پاوه طی اطلاعیه‌ای درگیری‌های اخیر منطقه اورامانات را از جانب احزاب کومله و دموکرات و عوامل بعث عراق دانست.

[اطلاعات، ۱ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ جنگ بین گروه‌های سیاسی و ستون‌های اعزامی ارتش از کرمانشاه و پادگان سنندج در خارج از شهر، در فاصله بین حسین‌آباد و فیض‌آباد ادامه دارد... همچنین ساعت ۹و۱۵دقیقه دیشب فانتوم‌های نیروی هوایی در آسمان شهر سنندج ظاهر شدند و چندبار دیوار صوتی را شکستند...

ـ اخطار شدید **بنی‌صدر** به گروه‌های مسلح [*سخنرانی پیروزمندانه بنی‌صدر بعد از کشتار در دانشگاه‌ها تحت عنوان «انقلاب فرهنگی»*]

«... آنها که در کارخانه‌ها اخلال می‌کنند، آنها که در کردستان بروی مردم ایستاده‌اند، آنها که در خوزستان توطئه می‌چینند، آنهایی که می خواهند روستاها و شهرها را تعطیل کنند و به کام آشوب بکشند، بدانند هر جا را بخواهند به تعطیل بکشانند این ملت در آنجا حاضر می‌شود و حاکمیت خود را از طریق دولت اعمال می‌کند...

از سه یا چهار روز به این طرف در کردستان، افراد مسلح غیرمسئول و

مخالف تحقق انقلاب اسلامی ما در برابر ارتش و سپاه پاسداران که برای دفاع از مرزها می‌رفتند، مشکلات ایجاد کردند و به روی آنها آتش گشودند... اگر آنها هشدارهای ما را جدی تلقی نکنند و به دشمنی با ملت ما ادامه دهند، رئیس‌جمهور این مردم تواناست که از ۳۶ میلیون نفر مردم ایران بخواهد در کردستان حاضر شوند و از استقلال و یکپارچگی و وحدت کشورشان دفاع کنند... تکرار می‌کنم اگر در کردستان و اگر در هر جای دیگر ایران کسانی بخواهند، مسلحانه یا غیرمسلحانه، در برابر اراده ملت ما بایستند، این ملت به دعوت رئیس جمهور منتخب خود به طرف کردستان خواهد رفت...»

ـ در جریان درگیری‌های سنندج ۱۲ نفر از افراد نظامی و همچنین ۵ نفر از اعضای گروه‌های سیاسی مستقر در سنندج کشته و ۹ نفر زخمی شده اند. اسامی کشته‌شدگان گروه‌های سیاسی سنندج به شرح زیر است: شمس‌الدین محمدی (کومله)، موسی احمدی (دموکرات)، سیف‌الله کریمی (دموکرات)، حشمت جلالی (بنکه)، طیب ناصرزاده (دموکرات)

به موجب گزارشی که ساعت ۷ بعدازظهر به دست ما رسیده، رفت و آمد از طریق راه کرمانشاه قطع است و فانتوم‌ها بر فراز شهر سنندج پرواز می‌کنند...

[۲ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ گروهی از ساکنان سنندج، از سه نقطه هدف گلوله قرار گرفتند. گفته

شد این تیراندازی‌ها از سوی پادگان سنندج، باشگاه افسران لشکر کردستان و هلیکوپترهای ارتش جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت... مردم شهر از لحاظ مواد غذایی و دارو سخت در مضیقه‌اند. [اطلاعات، ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ سنندج در محاصره و کنترل ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است. [روز پنجشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹، رأس ساعت ۱۱ صبح حمله نیروهای نظامی جمهوری اسلامی به داخل شهر سنندج آغاز شد. این جنگ ۲۴ روز به درازا کشید و با عنوان **جنگ ۲٤ روزه سنندج** در تاریخ کردستان ثبت شد. فرماندهی نظامی این کشتارها به عهده **محمد بروجردی**، **رحیم صفوی** و **صیاد شیرازی** بود.]

ـ در پی اتمام مهلت ارتش جمهوری اسلامی ایران به مردم سنندج مبنی بر خلع‌سلاح گروه‌های سیاسی و خروج کامل اهالی از شهر، گروهی از مردم که به زحمت خود را به مساجد رسانده بودند، سوگند یاد کردند که تا آخرین قطره خون، مقاومت خواهند کرد و به هیچ‌وجه شهر را ترک نخواهند کرد.

ـ کریم حسامی عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان گفت گروه زیادی از پای درآمده‌اند و اجساد زیادی در خیابان‌ها و خانه‌ها باقی مانده است. بوی تعفن اجساد، شهر را برداشته است... ما از تمامی محافل صلح‌طلب برای خاتمه دادن به درگیری‌های کردستان به ویژه

سنندج استمداد کرده‌ایم.

ـ دیروز همچنین گفته شد که در رابطه با درگیری‌های سقز و سنندج، بیانیه‌ای از سوی شیخ عزالدین حسینی انتشار یافت. در بیانیه شیخ عزالدین حسینی به بمباران صدها خانه و تصرف بیمارستان سقز و نیز تخریب دو بیمارستان در سنندج اشاره شده است.

[اطلاعات، ۷ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران غرب کشور:

«سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با الهام از پیام رئیس‌جمهوری و چشم های نگران ملت ایران، مصمم است که حاکمیت دولت و ایران مستقل را در این منطقه تضمین کند تا مسلمانان را از یوغ شکنجه و تحمیل احزاب، آزاد کنیم.»

ـ شهر مهاباد با وجودی که در آرامش کامل به سر می‌برد و از درگیری در آن خبری نیست، دیروز پنجمین روز محاصره اقتصادی خود را پشت سر گذاشت... علیرغم تماس‌های مکرر باباطاهری، فرماندار مهاباد، با مقامات دولتی مبنی بر رفع محاصره اقتصادی، تاکنون نتیجه‌ای به دست نیامده و حتی انگیزه آن نیز اعلام نشده است.

ـ دکتر علی‌اصغر حاج سیدجوادی در بیانیه‌ای خواستار با خبر کردن مردم ایران از کم‌وکیف وقایع کردستان شد:

«... از آنچه که در کردستان می‌گذرد هیچ تصویری و تفسیری و تحلیلی

در وسایل ارتباط جمعی دیده نمی‌شود. آنچه می‌شنویم از گفته‌ها و پیام ها و شایعات کشت و کشتار است و اجساد بی‌جان که می‌گویند بر خیابان‌های سقز و سنندج افتاده است و بیمارستان‌ها که می‌گویند تخت های آن از مردم مجروح و محتاج پرستاری و درمان خالی و خانه‌هایی که می‌گویند در اثر هجوم بمب‌ها مخروبه شده است. در کردستان چه می‌گذرد؟ آیا مردم ایران نباید از ریشه‌ی مسایل و حقیقت رویدادهای آن مطلع شوند؟... تا مردم بدانند دلایل واقعی دولت در دخالت مسلحانه در کردستان چیست؟...»

[اطلاعات، ۸ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ تلگرام اتحادیه روحانیون کردستان به امام خمینی:

«... دستور فرمائید عده‌ای از روحانیون کُرد جهت مذاکره و صحت عرایض به خدمت شما شرفیاب شوند تا حقیقت معلوم گردد.»

ـ ساکنان سنندج، برای به خاک سپردن اجساد کشته‌شدگان درگیری های اخیر این شهر، از مقامات رسمی مملکت خواستار شدند ترتیبی داده شود که درگیری‌ها متوقف گردد...

ـ استمداد پیشوای جامعه اهل تسنن کرمانشاه [*ملامحمد ربیعی*] از بنی‌صدر:

«جناب آقای بنی‌صدر، ریاست جمهوری اسلامی ایران و فرمانده کل قوا، محترما مردم مسلمان سنندج زیر رگبار مسلسل و آتش توپ‌های سنگین و خمپاره و بمباران هوایی، چون برگ خزان بر زمین می‌ریزند...

اگر گروه‌های سیاسی با دولت مخالفت دارند، زن و بچه و عجزه چه گناهی دارند که به صورت پشته‌ها اجسادشان روی هم انباشته است... تعفن اجساد و ضجه مادران جگرسوخته و طفلان گرسنه بی پدر و مادر سنندج را نمونه از **تل‌زعتر** ساخته...»

[اطلاعات، ۹ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ حزب دموکرات اعلام **آتش‌بس** کرد و رئیس‌جمهوری به نیروهای مسلح دستور داد در صورت اعمال آتش‌بس از سوی کُردها، آنها هم مقررات آتش‌بس را اجرا کنند.

ـ بر اثر اصابت گلوله‌های هلیکوپتر ۱۱ مسافر کشته شدند.



استاندار آذربایجان غربی :

براثر اصابت گلوله‌های هلیکوپتر ۱۱ مسافر کشته شدند

در این‌واقعه ، ۲۳ نفر نیز زخمی شد

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات جمشید حقگو استاندار آذربایجان غربی اعلام‌کرد : براثر اصابت گلوله هـای هلی‌کوپتر به دو مینی‌بوس مسافربری در ۱۵ کیلومتری بوکان ـ سقز منجر به کشته شدن ۱۱ نفر و زخمی‌شدن ۲۲ نفر گردید .

وی افزود : برای سرعت بخشیدن به مداوای زخمی ها اقدامات لازم بعمل آمده است .

این واقعه ساعت ۲ بعد از ظهر دوشنبه در جاده بوکان ـ سقز اتفاق افتاده است .

حقگو افزود : در پی اغتشاشات و درگیری های کردستان ، حدود ۱۷ هزار نفر از مردم سقز به بوکان رفته‌اند که در میان آن ها تعدادی زخمی نیز دیده می‌شود که دشواری هایی‌برای مردم این شهر تولید کرده است .

جمشید حقگو استاندار آذربایجان غربی اعلام کرد: بر اثر اصابت گلوله های هلیکوپتر به دو مینی‌بوس مسافربری در ۱۵ کیلومتری بوکان ـ سقز منجر به کشته شدن ۱۱ نفر و زخمی شدن ۲۳ نفر گردید.

ـ یک هیئت حسن‌نیت از تهران عازم مهاباد می‌شود.

سخن‌گوی حزب دموکرات اعضای هیئت حسن‌نیت را که قرار است از طرف دکتر بنی‌صدر برای حل مسایل کردستان به منطقه بیاید، به این شرح معرفی کرد: آقایان معتمد وزیری، حسن اردلان و ابراهیم یونسی که از تهران به مهاباد خواهند آمد.

ـ صبح امروز سخن‌گوی روابط عمومی سپاه پاسداران مرکز طی اطلاعیه‌ای اعلام نمود که **آتش‌بس** در کردستان را نمی‌پذیرند:

«بار دیگر نغمه شوم سازش و مذاکره از بوق و کرنای بعضی از عناصر سازشکار به گوش می‌رسد و تلاش و فداکاری که برادران پاسدار و ارتش در پاکسازی منطقه از کفار و ضدانقلابیون می‌نمایند، می‌رود که برای همیشه این عناصر را از صحنه کردستان محو و نابود نماید...»

[اطلاعات، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ دیروز شهرستان سقز شانزدهمین روز درگیری‌های خونین و جنگ همه‌جانبه خود را پشت سر گذاشت. شهر تقریبا خالی از سکنه است. بیش از ۱۷هزار نفر از ساکنین سقز به روستاهای اطراف و بوکان کوچ کرده‌اند... بیمارستان‌های سقز و بوکان مملو از مجروحین و افرادی بی

دفاع سقز است و امکانات دفن جنازه کشته‌شده‌ها بسیار کم است.
ـ در جریان پیشروی پاسداران انقلاب اسلامی در سنندج که تا میدان «اقبال» این شهر ادامه داشت، ۱۲ نفر از پاسداران شهید و هفت نفر دیگر مجروح شدند... به طرف مقابل [نیز] تلفات زیادی وارد آمده و هم اکنون اوضاع سنندج کاملا زیر نظر ارتش و سپاه پاسداران است.
ـ اطلاعیه دفتر رئیس‌جمهوری (۵۹/۲/۱۰):
«اعلامیه‌ای دایر بر آتش‌بس از سوی حزب دموکرات کردستان به خبرگزاری پارس داده شد، اما ساعت یک بعد از نیمه‌شب از دو سوی به پادگان بانه حمله شده است. بر ارتشیان و پاسداران دلیر ما معلوم است که مقصود از صدور این‌گونه اعلامیه‌ها، فریب دادن و خام کردن و ضربه زدن است...»
ـ هیئت سه نفری اعزامی از جمعیت کُردهای مقیم مرکز، وارد مهاباد شدند و دیروز مذاکرات خود را با سران سیاسی و رهبران مذهبی کردستان، در سالن فرمانداری مهاباد آغاز نمودند.
ـ پیشنهاد ۴ ماده‌ای نمایندگان مردم مهاباد به امام خمینی و رئیس جمهوری:
«... ۱ـ مصرانه خواهشمندیم دستور فرمایند در کلیه شهرها و نقاطی که درگیری جریان دارد، آتش‌بس اعلام گردد...
۲ـ کلید مشکل‌گشای مسئله کردستان، رفع ستم ملی از خلق کُرد بر مبنای پیام تاریخی امام خمینی است... تمنا داریم طرح شش ماده‌ای

پیشنهادی حزب دموکرات کردستان ایران را که آقای رئیس‌جمهوری اعلام کرده‌اند مورد قبول ایشان و دیگر مقامات رهبری جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته است، هرچه زودتر رسما اعلام فرمائید.

۳ـ طبیعی است که پس از اعلام طرح شش ماده‌ای... هیئتی ذیصلاح با قدرت تصمیم‌گیری از جانب دولت مامور شود تا به کمک و همکاری مردم کردستان، قانون و آئین‌نامه اجرایی اصول مصوبه این طرح را تهیه و به تصویب دستگاه‌های قانونی کشور برساند...

۴ـ خواهشمندیم دستور فرمائید حالت محاصره اقتصادی که بر مناطق مختلف کردستان... ایجاد گردیده فورا برطرف شود...»

ـ صبح دیروز هیئت نمایندگی خلق کُرد با هیئت اعزامی از تهران که با تائید دکتر بنی‌صدر به مهاباد آمده است، ملاقات و درباره مسایل جاری کردستان و مسئله آتش‌بس گفتگو و مذاکره کرد...

در ادامه مذاکراتی که به همین منظور در سالن فرمانداری مهاباد جریان داشت، توافق شد که در پی برقراری آتش‌بس، دکتر بنی‌صدر رئیس جمهوری، طرح ۶ ماده‌ای خودمختاری را رسما اعلام دارد...

[اطلاعات، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ اطلاعیه ستاد مشترک ارتش به مردم سنندج:

«... برای جمع‌آوری اجساد کشته‌های غیرمحلی که در خیابان‌ها مانده اند، دستور داده شد از ساعت ۱۰ صبح تا چهار بعدازظهر روز یکشنبه

۵۹/۲/۱۴ لشکر سنندج و سپاه پاسداران پاکسازی شهر را متوقف و آتش‌بس نمایند... پس از پایان آتش‌بس، واحدهای ارتش ارتش و سپاهیان پاسدار مستقر در منطقه، ماموریت خود را دنبال خواهند نمود...»
[اطلاعات، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ گزارش‌های رسیده از کردستان حاکی است که جنگ به شدت در شهرهای سنندج، بانه، مریوان، سردشت و سقز ادامه دارد.
ـ نیروهای ارتش و پاسداران ۴ کیلومتر از پاوه به طرف نوسود پیشروی کردند.
[اطلاعات، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ **آیت‌الله خلخالی** پریشب در مسجد جامع شیراز طی سخنانی گفت: چریک‌های فدایی در کردستان پرچم‌ها و آرم‌های اسرائیل را برای استقبال از خلبان‌های اسرائیلی آماده کرده بودند و تمام درگیری‌های آن منطقه به عهده آنان می‌باشد... مسئله کردستان به دست من حل خواهد شد.
[اطلاعات، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ اطلاعیه ستاد مشترک عملیاتی ارتش جمهوری اسلامی و پاسداران مستقر در سنندج:

«... راه‌های تدارکاتی کفار توسط نیروهای انقلابی کاملا بسته می‌باشد و خائنین به ملت توانایی خود را از دست داده‌اند و به یاری خدا تا چند روز دیگر شهر سنندج از لوث وجودش پاک می‌شود.»

ـ به گزارش روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرمانشاهان، در جریان درگیری‌های پریشب پاوه، رهبر نیروهای مهاجمین مسلح در نوسود و اورامانات کشته شد. وی «محمدامین نادری» نام داشت که معروف به «حمه روش» بود.

[اطلاعات، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ انفصال از خدمت دو پزشک جراح و متخصص بیهوشی در کرمانشاه.

دو نفر از پزشکان جراح به اسامی دکتر نیک‌نژاد و دکتر خوش‌بین که روز سه‌شنبه گذشته به دنبال مجروح شدن دوازده نفر از مردم پاوه، برای نجات آنها به این منطقه نرفته بودند، به انفصال خدمت و ضبط پروانه نظام پزشکی و محرومیت از داشتن حق مطب خصوصی مجازات شدند...

به همین مناسبات دیروز اطلاعیه‌ای از سوی استاندار کرمانشاهان منتشر شد. در این اطلاعیه آمده است: «... به عموم پزشکان و متخصصان بیهوشی تاکید می‌شود کسانی که پاسداران جان بر کف ما را که از جان و مال و ناموس ما دفاع می‌کنند، تنها بگذارند، به مجازات‌های سنگین تری خواهند رسید.»

[اطلاعات، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ گزارش رسیده از مهاباد حاکی است که بعد از گذشتن چهارده روز از محاصره اقتصادی این شهر، مواد غذایی و سوختی در مهاباد کمیاب است. تاکسی‌های مهاباد تا ۵ روز پیش روزانه ۲۰ لیتر بنزین دریافت می داشتند که به علت قطع این سهمیه، هم‌اکنون از کار افتاده‌اند و عبور و مرور دیگر وسایط نقلیه نیز در مهاباد متوقف شده است.

ـ حدود ۲۵هزار نفر از نقاط جنگ‌زده کردستان به بوکان آمده‌اند و مواد غذایی با توجه به اسکان این عده در بوکان کم است.

ـ پادگان سقز به موجب یک گزارش تائید نشده همچنان در محاصره افراد مسلح است.

ـ دکتر ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهوری اسلامی ایران دیروز به **ابوشریف** ماموریت داد به سنندج رفته، بر امور جاری این شهر نظارت داشته باشد.

[اطلاعات، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ سرهنگ صدری فرمانده لشکر ۲۸ سنندج در مورد اوضاع فعلی سنندج گفت: «... من مفهوم آتش‌بس را نمی‌فهمم و نمی‌دانم. آتش‌بس با چی و با چه کسی... نود درصد مردم سنندج مسلمان و خواهان آرامش و آسایش هستند... چون ما قادر نیستیم وارد شهر شویم، تعداد

کشته‌ها (مردم عادی) نامشخص است و رقم دقیقی را نمی‌توان عموان نمود...

ـ **عباس دوزدوزانی** فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی... وجود اجساد زیادی از شهدای کردستان را که هنوز روی زمین مانده اند تائید کرد و گفت: متاسفانه بانه در وضعیتی است که چنین محدودیتی برای جمع‌آوری اجساد بوده و جنازه‌هایی از شهدای ما چندی است که در آنجا مانده و ضدانقلاب با حرکات ضدانسانی خود مانع انتقال آنان شده است، ولی دیروز گزارش شد که اجساد جمع آوری شده است.

ـ ابوشریف فرمانده عملیاتی سپاه پاسداران و نماینده رئیس‌جمهوری در سنندج، شب گذشته پس از بازگشت به تهران درباره اوضاع سنندج گفت: ما با کسانی که سلاح‌شان را بر زمین می‌گذارند، انسانی رفتار کردیم...

وی در مورد موقعیت شهر سنندج گفت: تمام شهر در اختیار سپاه است و تمام مواضع از دشمن پس گرفته شده...

[اطلاعات، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ دکتر **ابوالحسن بنی‌صدر** رئیس‌جمهوری کشورمان در گفتگویی با صدا و سیمای جمهوری اسلامی... گفت:

«... امروز از خود آمریکا به من تلفن کردند که در آنجا قضیه از پرده

بیرون افتاده و معلوم شده که هلیکوپترهای آمریکایی می‌آیند و برای کُردها و جاهای دیگر اسلحه می‌آورند...
من راضی به تجزیه یک وجب و یک سرانگشت از خاک ایران و اینکه حاکمیت از دولت در آنجا نباشد، نیستم و همین‌طور هم عمل کردم... به حمدالله ما در ناحیه ترکمن صحرا و در ناحیه غرب کشور خصوصا استان کردستان به استقرار مجدد حاکمیت دولت یا موفق شدیم یا نزدیک شدیم و امیدوارم که این حاکمیت را مستقر کنیم. آیا این منافات دارد با خودمختاری به معنای اسلامی کلمه که مردم هر محل خودشان امور خودشان را تصدی کنند، به نظر ما نه، این منافات ندارد و شش ماده‌ای را که پیشنهاد شده بود با اصلاحات آن پذیرفتیم و آقای فروهر را هم مسئول کردیم که این را تعقیب کند...»
[اطلاعات، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ **امام خمینی**: به آنها که کردستان را به فساد کشاندند و مردم کردستان را اذیت و آزار کردند، نباید مهلت داد، باید درست پاکسازی شوند.

ـ **حجت‌الاسلام خامنه‌ای**، امام جمعه تهران، در خطبه دوم به مسایل جاری کردستان پرداخت:
«ملت اسلام باید بداند که در کردستان، جنگ میان اسلام و کفر است. دو کفر مارکسیستی و آمریکایی با اسلام می‌جنگند... شش ماه سر ما را

به مذاکره گرم کردند و طی این مدت نیروهای امپریالیسم در منطقه قوت گرفت. ای شرم بر شما مزدوران بیگانه که لباس کُردی پوشیدید و در داخل سنگر کتاب خودآموز کُردی بردید تا زبان کُردی یاد بگیرید...

اکنون شهر **بانه** در محاصره می‌باشد. من از سپاه و ارتش می‌خواهم که هرچه زودتر تکلیف شهر **بانه** را یکسره کنند... باید مسئله کردستان از طریق نیروهای مسلح حل شود تا امپریالیسم مایوس گردد.»

ـ **رئیس‌جمهور** در اجتماع نمازگزاران تبریز: با کسانی که اسلحه به دست گرفته‌اند، مذاکره نمی‌کنیم.

[اطلاعات، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ دادگاه انقلاب اسلامی همدان پس از رسیدگی به پرونده **علی‌اشرف روشنی**، یکی از اعضای حزب کومله (بنکه شورش پیرمحمد)، وی را به جرم قیام مسلحانه علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و شرکت در درگیری‌های اخیر قروه کردستان که منجر به شهادت تعدادی از پاسداران و افراد نیروهای مسلح شد، محکوم به اعدام کرد.

[کیهان، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ **آیت‌الله منتظری**: پاکسازی کردستان با قاطعیت باید ادامه یابد.

دیگر مذاکره و اعزام هیئت حسن‌نیت به منطقه جز اینکه آنها در اثر اتلاف وقت، مواضع خود را مستحکم کنند و به حملات خود به برادران مسلمان کُرد بیفزایند، سود دیگری ندارد.

ـ مهاجمین، سرتیپ **ایرج نصرت‌زاد** فرمانده تیپ یک لشکر سنندج را پس از دادن شکنجه‌های فراوان، با تزریق آمپول هوا به قتل رساندند. در آخرین لحظات جانبازی در حالی که از هر سو او را هدف رگبار مسلسل قرار داده بودند، وی از طریق بی‌سیم این پیام را برای لشکر ۲۸ فرستاد: «من سرهنگ ستاد ایرج نصرت‌زاد، به علت زخمی شدن و جراحات وارده، درآخرین لحظات عمر سربازی خویش، نکاتی را برای همرزمان بازگو می‌کنم. جانم فدای ایران، درود بر رهبر انقلاب، زنده باد ارتش جمهوری اسلامی ایران، زنده‌باد فرماندهان گردان تیپ یکم، خداحافظ‌تان، نصرت‌زاد.»

[اطلاعات، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ از سوی دادگاه انقلاب اسلامی ویژه نظامی اصفهان:

ستوانیار سوم **منصور حاج‌قاسمی** به جرم تمرد در انجام ماموریت، تحریک پرسنل و عدم‌اجرای ماموریت و ایجاد تشنج در ارتش محکوم به اعدام که حکم صادره به اجرا درآمد.

ستوانیار سوم **غلامرضا سربندی** به جرم ایراد سخنرانی مبنی‌بر تحریک پرسنل به اغتشاش و ممانعت از اجرای ماموریت محکوم به

اعدام ولی با توجه به علل مخففه محکوم به حبس دائم...

ـ **فخرالدین حجازی** جزئیات تمرد بعضی از خلبان‌ها را بیان کرد:

«... متاسفانه معلوم شد که برخی عناصر چپ توسط بعضی پرسنل در داخل پایگاه نفوذ کرده و ناراحتی‌ها و تشنجاتی به وجود آوردند... ابتدا به عنوان اینکه به مسایل حقوقی و استخدامی آنها رسیدگی شود، ستوانیارها و بعضی دیگر پرسنل را در سالنی جمع کردند و مسایل رفاهی را پیش کشیده بودند ولی بعد جوّ سالن را عوض کرده و عده ای روی صندلی‌ها ایستاده و می‌گفتند ما به کردستان نمی‌رویم و حاضر به برادرکشی نیستیم و اطاعت کورکورانه را نمی‌پذیریم و موجب شد که بعضی از خلبان‌ها از دستور فرماندهان تمرد کردند...

[جمهوری اسلامی، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ در درگیری‌های دیروز دانشگاه تهران که به دنبال برگزاری میتینگی به مناسبت بزرگداشت شهدای کردستان رخ داد، ۹ نفر مجروح شدند. این میتینگ که از سوی **سازمان پیکار** برگزار می‌شد توسط وزارت کشور غیرقانونی و بدون مجوز اعلام شده بود.

ساعت ۵ دیروز اعضا و طرفداران **سازمان پیکار** در محوطه دانشگاه تهران اقدام به برگزاری میتینگی نمودند که با مخالفت گروهی که شعارهایی علیه گروه‌های چپ می‌دادند، روبه‌رو شدند... پس از مدتی پرتاب سنگ به سوی شرکت‌کنندگان در این میتینگ آغاز شد و کار

به درگیری کشیده شد که طی آن ۹ نفر مجروح شدند...
[کیهان، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ روز گذشته **حجت‌الاسلام هادی غفاری** به همراه هیئتی... وارد سنندج شد.
حجت‌الاسلام **هادی غفاری** طی یک مصاحبه اظهار داشت: اوضاع منطقه آرام و خسارات وارده زیاد است. مهم‌ترین مسئله تصفیه واقعی در شهر می‌باشد. وی متذکر شد تا زمانی که شهر از عناصر خرابکار و ضدانقلاب پاکسازی نشود، مطرح کردن مسئله امنیت یک مسئله بی موردی است.
همچنین یکی ازپاسداران اظهار می‌داشت: اگر یکبار دیگر هیئت ویژه ای جهت مذاکره با گروه‌های ضدخلقی به اینجا اعزام گردد، همگی را به رگبار مسلسل می‌بندیم.
[جمهوری اسلامی، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۱]

ـ ۸ نفر از اعضای مسلح حزب دموکرات کردستان ـ گروه **اکبر روایی** ـ همراه با ۸ قبضه اسلحه ژ۳ و برنو و کلاشینکف خود را به سپاه پاسداران جوانرود تسلیم کردند.
اکبر روایی یکی از عوامل گروگان‌گیری‌های منطقه اورامانات بوده و با جدا شدن این عده، انشعابی در گروه وی ایجاد شده است.

ـ دیروز خبرنگاران از زندان پادگان سنندج دیدن کردند... تعداد این زندانیان حدود ۶۰ الی ۷۰ نفر است که **در بین آنها ۱۵ الی ۲۰ زندانی دختر**[۷] نیز دیده می‌شوند.
سرهنگ صدری فرمانده لشکر سنندج به خبرنگاران گفت سربازان و پاسداران این دختران را در سنگرها و بنکه‌ها دستگیر کرده‌اند.
[اطلاعات، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ سخنان **دکتر بهشتی** در مقر سپاه پاسداران:
تا پاکسازی کامل در منطقه غرب هیچ صلحی را نخواهیم پذیرفت.
ـ فرمانده لشکر ۲۸ سنندج، سرهنگ صدری: مذاکره یعنی تقویت گروه ها و نابودی مردم.
[جمهوری اسلامی، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۹]

ـ دکتر مهرآسا به سمت استاندار کردستان منصوب شد. دکتر مهرآسا قبلا سرپرستی بخش کُردی صدا و سیمای جمهوری اسلامی را به عهده داشت. استاندار سابق کردستان مهندس حسین شاه‌ویسی نام داشت.
[اطلاعات، ۱ خرداد ۱۳۵۹]

ـ **هادی غفاری** در یک مصاحبه اختصاصی:
«... روحیه سپاه و ارتش بسیار خوب است اما به شرط آن که مسئله‌ای

به نام مذاکره و هیئت حسن‌نیت در کار نباشد... مسئله دیگری که شاید به نظر من مهم‌ترین مسئله باشد، روشن کردن تکلیف کسانی است که دستگیر شده‌اند. از میان دستگیرشدگان کسانی هستند که آدم‌کشی آنها مسلم است و مسلما قاتل می‌باشند. تعدادی از دختران و پسرها در داخل سنگر دستگیر شده‌اند... من معتقدم اینها را باید گرفت و با حساب‌های عدل اسلامی و با دادگاه‌های عدل اسلامی دقیقا محاکمه کرد و به مجازات‌شان رساند...

فکر می‌کنم کار اشتباهی شد و آن هم برگرداندن مردم به شهر بود قبل از آن که تمام خانه‌ها را اینها شناسایی بکنند و به این جهت شناسایی مزدوران به سختی صورت خواهد گرفت. من معتقدم که باید به سرعت رئیس تمام ادارات اینجا را عوض کرد. تمام روسای ادارات را چه خوب و چه بد، تمام روسا مگر آنهایی که صددرصد مورد اعتماد هستند...

و مسئله آخر این است که بعد از پیروزی، سپاه و ارتش کاملا شهر را کنترل بکنند یعنی باز از آن آزادی‌های دموکراتیک به آن معنا ندهند. اینها هر آزادی کوچکی که می‌گیرند نطفه یک جنایت بزرگی را شکل می‌دهند...»

[جمهوری اسلامی، ۱ خرداد ۱۳۵۹]

ـ به موجب گزارش‌های رسیده شخصی به نام **ایرج سلطانی**، خلبان

ارتش که چندی قبل به حزب دموکرات کردستان پیوسته بود، در درگیری‌های اخیر سنندج کشته شد.
[اطلاعات، ۳ خرداد ۱۳۵۹]

ـ در عملیات پاکسازی کامیاران ۴ مهاجم دستگیر و ۱۸ تن کشته شدند.
ـ نیروهای مسلح انقلاب (لشکر ۱۶ زرهی قزوین) وارد سقز شدند.
ـ از سوی ریاست‌جمهور، ابوشریف (عباس آقازمانی) فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد.
[جمهوری اسلامی، ۳ خرداد ۱۳۵۹]

ـ فرمانداران، شهرداران و بخشداران شهرهای مهاباد، سردشت، پیرانشهر، اشنویه و بوکان، مناطق کردنشین آذربایجان غربی، روز یکشنبه هفته گذشته به تهران آمدند تا با مقامات مسئول درباره محاصره این پنج شهر که بیش از یک ماه است ادامه دارد، گفتگو کنند. بنابه اظهار این اشخاص ظرف این چند روز آنان موفق نشده‌اند که با رئیس جمهوری، اعضای شورای انقلاب و یا وزارت کشور گفتگو و چاره اندیشی کنند.
افراد مذکور اظهار داشتند که تمامی محصولات کشاورزی بر اثر نرسیدن سوخت، کاملا از بین رفته و اهالی این شهرها و بخش‌ها سخت به مواد خوراکی، دارویی و به ویژه سوخت گازوئیل برای تراکتور و

موتورهای آب نیازمندند.

[انقلاب اسلامی، ۳ خرداد ۱۳۵۹]

ـ ۹ تن از فرمانداران، شهرداران و بخشداران شهرهای مهاباد، سردشت، پیرانشهر، اشنویه و بوکان که با گروه‌های مسلح کردستان همکاری می کردند و وابسته به آنان بودند، دیروز دستگیر شدند.

حسن کریمی واحد، باباطاهری فرماندار مهاباد و یکی از سران حزب دموکرات، محمود قهرمانی شهردار مهاباد، سلیم صیادی شهردار و رئیس مخابرات پیرانشهر، عمرالدین آصفی بخشدار بوکان، علی حبیبی زاده بوکانی شهردار بوکان، فرماندار سردشت محمدعطار آموزگار و معاون آموزش و پرورش و مسئول شورای شهر پیرانشهر و صفی‌الدین صفوی رابط کومله، توسط پیشمرگان مسلمان کُرد شناسایی شده و مراتب را به اطلاع نیروهای انتظامی می‌رسانند که بلافاصله نیروهای انتظامی وارد عمل شده و آنان را دستگیر و به زندان اوین تحویل می دهند.

[انقلاب اسلامی، ۴ خرداد ۱۳۵۹]


انقلاب اسلامی

امام خمینی در جمع دانشگاهیان و روحانیون

این چه دستهائی است که روحانیون را از دانشگاهیان جدا کرده‌است

ولادت امام محمد تقی (ع)

۹ تن از فرمانداران، شهرداران و بخشداران پنج شهر کردنشین به اتهام همکاری با گروههای مسلح دستگیر شدند

ـ بانه از محاصره مهاجمین آزاد شد. نیروهای ارتش و سپاه پاسداران طی یک درگیری شدید موفق شدند شهر بانه را از محاصره مهاجمین مسلح خارج کنند... نیروهای ارتش و سپاه پاسداران پس از عبور از گردنه «خان» وارد شهر بانه شدند و پس از درگیری شدید، حلقه محاصره پادگان نظامی بانه را شکستند.

[اطلاعات، ۸ خرداد ۱۳۵۹]

ـ سه عامل کشتار مسلمانان کُرد و پاسداران اعدام شدند.

۱ـ نادر فرشگر فرزند باقر اهل مریوان به جرم قیام مسلحانه...

۲ـ جبار داداشی‌نژاد، گروهبان دوم اهل سنندج به جرم همکاری با گروه های مزدور و...

۳ـ **رویا علی‌پناه** اهل سنندج و دانش‌آموز سال چهارم به‌جرم شرکت در جنگ مسلحانه علیه نظام... و ارتکاب اعمال خلاف عفت.

در حال حاضر ۸۴ زندانی در سنندج موجود است که ۲۵ نفر آنان زن می‌باشند و علاوه بر اینان ۲۰ یا ۲۲ نفر دیگر در زندان پادگان هستند.

[جمهوری اسلامی، ۸ خرداد ۱۳۵۹]

ـ روز گذشته یکی از سخن‌گویان حزب کومله به نام **کبری فاتحی** دستگیر شد.

ـ روز گذشته پس از پایان محاکمه ۱۲ نفر از متهمین درگیری‌های اخیر سنندج، دادگاه انقلاب اسلامی این شهر ۳ تن از این عده را مفسد فی الارض شناخته و مابقی را به علت داشتن جرم‌های سبک آزاد نمود.
مشخصات و جرم معدومین چنین است:
۱ـ **شهین باوفا**[۸] به جرم کشتن سه نفر با وسایل مختلف پزشکی...
۲ـ **فرشته گل‌عنبریان** به جرم بمب‌گذاری و...
۳ـ **حسن/ غلامرضا خاکباز** به جرم مبارزه مسلحانه...
[جمهوری اسلامی، ۲۵ خرداد ۱۳۵۹]

ـ انشعاب در حزب دموکرات کردستان.
۶ نفر از اعضای موثر کادر مرکزی حزب دموکرات کردستان از حزب خارج شدند... اسامی رهبران انشعابی به این شرح است:
غنی بلوریان، عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی
هیمن، شاعر و عضو افتخاری کمیته مرکزی
دکتر رحیم سیف‌قاضی، عضو کمیته مرکزی
خانم فوزیه قاضی، عضو کمیته مرکزی و مسئول سازمان زنان حزب
نوید معینی، عضو کمیته مرکزی
احمد عزیزی، عضو کمیته مرکزی و مسئول تشکیلات سنندج
فاروق کیخسروی، عضو کمیته مرکزی و مسئول تشکیلات سقز
[اطلاعات، ۲۸ خرداد ۱۳۵۹]

یادداشت‌ها

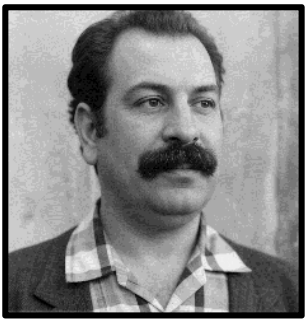

۱ـ مرتضی باباخانی در سال ۱۳۱۸ در قصرشیرین در استان کرمانشاه به دنیا آمد. فعالیت سیاسی خود را در همین شهر و در دهه‌ی ۱۳۳۰ آغاز کرد. باباخانی نخستین بار در اوایل فروردین سال ۱۳۴۹ در تهران توسط ساواک دستگیر و از طرف سپهبد ضیاء فرسیو به اعدام محکوم شد. با این حال چندی طول نکشید که فرسیو طی عملیاتی توسط چریک‌های فدایی خلق کشته شد. دادگاه تجدیدنظر توسط فرد دیگری برگزار شد و مرتضی باباخانی این‌بار با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم شد. مرتضی باباخانی تا سال ۱۳۵۷، مدت ۹ سال را در زندان گذراند. پس از انقلاب بهمن در شهر قصرشیرین یک کتابفروشی باز کرد. وی در دستگیری سراسری اعضای **حزب توده** در آبان سال ۱۳۶۲ در منزل خود در تهران دستگیر و در نهایت در تیرماه ۶۳ بر اثر صدمات حاصل از شکنجه کشته شد.



۲ـ ابوالقاسم ستاریان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دادستانی انقلاب مشغول فعالیت شد و در خردادماه ۱۳۵۸ به حکم مهدی هادوی، دادستان انقلاب اسلامی خوزستان شد و همراه با خلخالی به اهواز رفت تا به قلع و قمع مردم بپردازند.

عزیمت خلخالی و ستاریان در پی درگیری‌های خونین ۹ خرداد ۱۳۵۸ خرمشهر صورت گرفت که از آن به عنوان «چهارشنبه سیاه» یاد می‌شود. وی از سال ۱۳۶۰ بعد از برکناری و دستگیری عبدالحمید اردلان، رئیس کانون وکلا به همراه افضلی، نراقی، و خواجوی اداره کانون وکلای دادگستری را به عهده گرفت. ستاریان در این دوران یکی از شکنجه‌گران بی‌رحم شعبه‌های بازجویی اوین بود. این اولین بار در تاریخ مدرن بود که یک شکنجه‌گر اداره‌ی کانون وکلا را به عهده داشت.

عبدالکریم لاهیجی در مورد وی می‌گوید: «بازجوی آقای دامغانی، یک وکیل دادگستری به اسم ابوالقاسم ستاریان بود که او نیز عضو جمعیت حقوقدانان بود که در جریان بازجویی به دامغانی می‌گوید شماره پای شما چند است؟، دامغانی که پا برهنه بود، گفته بود ۴۲. ستاریان برای او سفارش دمپایی ۴۴ می‌دهد. دامغانی را می‌برند و با دستور ستاریان به قدری شلاق بر پاهای او می‌زنند که به گفته دامغانی

ماه‌ها همان دمپایی‌های سایز بزرگ را هم به سختی به پا می‌کرده است.»
ستاریان بازجویی از عبدالحمید اردلان و دیگر وکلای دستگیر شده را به عهده داشت. او همچنین نقش مهمی در تهیه‌ی لیست وکلایی که می‌بایستی پروانه‌ی وکالت‌شان توسط دادگاه انقلاب لغو می‌شد داشت.
عبدالکریم لاهیجی در مورد ستاریان اضافه می‌کند:
«به اندازه‌ای دزدی و اختلاس کرد که به زندان افتاد و محکوم شد اما بعد از خارج شدن از زندان پروانه وکالت خود را از دست همین آقای جهرمی دریافت کرد و امروز آقای ستاریان بازجو و شکنجه‌گر همچنان عضو کانون وکلای دادگستری است.»
ستاریان امروز به عنوان مشاور حقوقی مشغول رسیدگی به پرونده‌های میلیاردی است. او همچنین عضو هیأت مدیره شرکت «بافت ماشین» و «شرکت بین‌المللی بازسازی صنایع نیرو توان شدید» است.

۳ـ حاج‌عظیم معبودی حسنلوئی

زندگینامه رسمی: «در سال ۱۳۱۲ در شهرستان نقده متولد و در چهل روزه‌گی پدرش را به دلیل بیماری از دست داد و پیش خاله خود بزرگ شد. در ده سالگی با خاله‌اش از طریق مرز پیرانشهر پای پیاده به کربلا رفتند که از آن موقع با نام کربلائی عظیم معبودی در منطقه معروف گردید. در سال ۱۳۳۱ در نقده مغازه‌ای خریده و مشغول تجارت می گردد. از آن به بعد جهت خدمت به شهرستان و همشهریان کمر همت

بست که از خدمات ایشان می‌توان از موسسان بیمارستان شیر و خورشید سابق بود. اولین فاضلاب کانال‌کشی روبسته و اولین حمام عمومی ساخت ایشان می‌باشد.

در بعد از انقلاب اسلامی نیز در نوک پیکان **کمیته انقلاب اسلامی** بوده و با استخدام و اعزام نیرو به پادگان‌های جلدیان و پسوه و پیرانشهر را حفظ نموده و نگذاشت به دست نیروهای ضدانقلاب تصرف گردد. بعد از رفع فتنه‌ی ضدانقلاب مشغول کارهای فرهنگی و اجتماعی گردید و تا آخر عمر نیز با نیکوکاری و حسن‌نیت به انقلاب و شهرستان خدمت نمود. حاج‌عظیم معبودی در سال ۱۳۸۴ فوت نمود که با همت بلند و محبت مردم شهرستان نقده و روستاهای اطراف تشییع گردید.»

[از سایت «خبرفارسی» ۱۳۹۲/۲/۳]

اما حاج‌عظیم واقعا که بود؟!

پیش از این در بخش‌های قبلی این روزشمار درباره حاج‌عظیم معبودی نوشته‌ایم. دانسته‌ایم که وی به احتمال با به ارث بردن ثروت پدرخوانده اش توانست به یکی از سرمایه‌داران بزرگ منطقه تبدیل شود. در زمان پهلوی همکار ساواک بود و پس از انقلاب هم سرپرست کمیته نقده. (در تصویر صفحه بعد: عظیم معبودی ـ نفر دوم از سمت چپ ـ را در کنار خانم مکی، شهردار وقت نقده/ سولدوز دردهه چهل می‌بینیم.)



مطابق آنچه در اسناد و مطبوعات آن سال‌ها آمده، حاج‌عظیم مسئول مستقیم کشتار روستای نقده و بسیاری دیگر از کُردهای منطقه بوده است. او را عامل قتل بیش از ۳۰۰ نفر دانسته‌اند.

در این قسمت آنچه را که در اسناد حکومتی درباره‌ی این جنایتکار آمده، نقل خواهیم کرد.

«... در موقع انتخابات ریاست‌جمهوری اکثریت آراء [مردم نقده] به نفع مدنی بود، چرا که معتقدند مدنی کسی است که می‌تواند امنیت را به ارمغان بیاورد و هم‌اکنون عده‌ای از مردم به شخصی به نام **حاج عظیم معبودی**، سرمایه‌دار و ساواکی بزرگ منطقه روی آورده‌اند... در گزارش دیگری از وضعیت امنیتی نقده که توسط واحد اطلاعات و تحقیقات سپاه نقده تهیه شده آمده است: نقده از سه طرف در محاصره افراد ضدانقلاب اعم از حزب دموکرات ـ کومه‌له ـ چریک‌های فدایی خلق و بازمانده‌های رژیم گذشته که عبارت باشد از عظیم معبودی ـ

ملاایراهیم محرر ـ مراد قطاری و نوکران آنها، که این سه نفر آخر و افرادشان توسط **ظهیرنژاد** در منطقه مسلح شده‌اند... (سند شماره ۱۳۶۶۱۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ... ص۱۲۳)»

[از کتاب «روزشمار جنگ ایران و عراق (مرکز اسناد و تحقیقات سپاه)، جلد ۹، صفحه ۱۰۴۵]

در ادامه‌ی سند می‌خوانیم:

«... روحانی متعهد در این شهر [نقده] فقط یک نفر است به نام دانش پایه که در ارتباط با سپاه و جهاد و غیره است. کمیته‌ای هم در شهر تشکیل گردیده که ۶۰ یا ۷۰ نفر هستند که رئیس کمیته شخصی روحانی به نام داننده می‌باشد که معاون وی همان **عظیم معبودی** می باشد که در عمل همان معبودی است که در کمیته حاکم است و عملکرد مفیدی هم ندارد... با وجودی که حدود ۱۵۰ نفر از سپاه و حدود ۷۰۰ یا ۸۰۰ نفر از جوانمردان ژاندارمری و افراد **معبودی** و ستون‌های اعزامی لشکر ۶۴ و نیز پادگان‌های اطراف وجود دارند، ولی از یک هماهنگی مفید برخوردار نیستند.»

[منبع: قبلی، صفحه ۱۰۴۶]

یک توضیح حاشیه‌ای: فرماندار نقده در آن مقطع **حمید جلایی‌پور** است که قبلا جزء پاسداران اعزامی به نقده بوده است.

٤ـ قتل‌عام روستای «قه‌لاتان» به وسیله‌ی ارتش و پاسداران

... قبل از ورود پاسداران، پیشمرگه‌ها برای جلوگیری از کشتار مردم بی گناه از ده عقب‌نشینی کرده و به تپه‌های اطراف رفته بودند. عده‌ای از مردم ده نیز از ترس به روستاهای مجاور گریختند ولی عده‌ای از افراد که عمدتا پیرمرد بودند، در ده مانده بودند که پاسداران سر رسیدند.


خلق‌ها و مسئله ملی

قتل‌عام روستای «قه‌لاتان» بوسیله ارتش و پاسداران

● حتی پیرمرد ۱۱۰ ساله و نوجوانان ۱۵ ساله را نیز کشتند!

آنها با ارباب ده به نام «**مراد قطاری**» روبوسی کرده و ناهار را در منزل وی خوردند.

آنها در موقع ورود به ده به قتل‌عام مردم بی‌گناه و بی‌سلاح ده پرداختند. بیش از ۲۰ نفر را که عمدتا پیرمرد بودند کشتند.

جنازه‌ها نشان می‌دهد که این عده بیشتر به وسیله شلیک گلوله در دهان یا در سرشان به طرز فجیعی به قتل رسیده‌اند.

پاسداران اثاث خانه‌ها را خُرد کردند و از خانه‌های روستائیان پول، طلا و حتی فرش به غارت برده‌اند. آنها حتی به گاو و حیوانات روستائیان گلوله شلیک کرده و کشته‌اند.

در اثر تیراندازی تانک‌ها، سه پیشمرگه بر اثر اصابت توپ شهید شدند.
[**از نشریه پیکار ـ شماره ٤٨**]

بخش‌هایی از گفتگوی تلفنی روزنامه جمهوری اسلامی با یکی از مسئولین حزب دموکرات کردستان ایران در مهاباد

«رأی ما همیشه بر این بوده و هست که خواسته‌های مردم کردستان از طریق مذاکرات مسالمت‌آمیز برآورده شود. در این رابطه ما آنچه که از حُسن‌نیت در اختیار داشتیم، به خرج دادیم. بارها هیئت نمایندگی فرستادیم، نامه‌ی سرگشاده نوشتیم، یادداشت کتبی نوشتیم و با مقامات صحبت کردیم. متأسفانه از طرف مقامات دولتی از هیئت ویژه تا رئیس جمهوری، به ما پاسخ مثبتی تا حال داده نشده است و خواسته‌های برحق ما برآورده نشده است. با این حال در پاییز گذشته با پیام تاریخی امام خمینی ما آتش‌بس دادیم و به پیام ایشان لبیک گفتیم... ولی متأسفانه دست‌هایی در کار است که نه به حرف‌های ما گوش می‌دهند و نه به حرف‌های دولت.

همین روزها با آقای **فروهر** صحبت کردیم. ایشان خودشان تعهد داده بودند که در کامیاران، پیشمرگان ما عقب‌نشینی کنند و فقط در آنجا ژاندارمری مستقر باشد و حفظ آرامش و امنیت شهر را به عهده بگیرد. ولی وقتی که پیشمرگان ما حاضر به این کار شدند، سپاه پاسداران، ارتش و ژاندارمری و پیشمرگان مسلمان آمدند و مردم کامیاران خانه

هاشان ویران گشت؛ اموال‌شان غارت و سرقت شد و خودشان هم آواره شدند که الان در مسجد سنندج متحصن هستند و کسی هم جویای حال شان نمی‌شود. وقتی که این روزها ما از آقای فروهر گله کردیم که چرا به تعهد خود عمل نکردید، گفتند من چه کار بکنم؛ در این مورد آقای رئیس جمهوری به من دستور کتبی داده بود که این کار عملی شود؛ ولی سپاه پاسداران با پیشمرگان مسلمان به این حرف‌ها گوش نمی دهند... این‌ها در منطقه‌ی ارومیه، خوانین و فئودال‌هایی را مانند **رشیدبیگ جهانگیری، حاجی سامی، چلی بک** ـ که کشته شد ـ و دیگرانی که من نمی‌شناسم، مسلح کرده‌اند.



از سمت چپ،
رشید بیگ جهانگیری، رضا خان هنارە، حاج سامی هنارە، احمد کریمی شکفتیک، جاسم مظهری ایشکه سو

در مناظرهٔ تلویزیونی چریک‌ها [*چریک‌های فدایی خلق*] با رئیس جمهوری، **تیمسار فلاحی** سوگند یاد کردند که **تیمسار ظهیرنژاد**

هیچ‌وقت چنین کاری نکرده؛ ولی همین حالا بیش از ۱۵۰۰ قبضه اسلحه از دست همین آقایان به دست فئودال‌ها افتاده که در حال حاضر از آنها بر علیه دهقانان مستضعف فاقد زمین و زندگی استفاده می‌کنند...

مجاهدین **معبودی** و سپاه پاسداران رفتند به سوی اشنویه و در درهٔ **قلاتان** یا قلعه لر، و یک قارنای جدید برای ما درست کردند. یعنی ده را به توپ بستند، هلیکوپترها آنجا را به راکت بستند. بعداً ریخته‌اند در ده یک نفر را با تبر کشتند و یک پیرزن را هم با چادرش خفه کرده‌اند. این حوادث دقیقاً روز ۱۳۵۹/۱/۶ بوده و در مجموع ۱۷ نفر کشته شدند که ۳ نفرشان از مسلحین کُرد بوده‌اند؛ ولی بقیه‌شان زن و بچه‌های اهل همان آبادی بوده‌اند. به هرحال با سعی و تلاشی که به خرج دادیم، پیشمرگان از خود حُسن‌نیت و خودداری نشان دادند و خوشبختانه امروز تا این لحظه، ساعت ۱۱ صبح، هیچ گزارشی از درگیری نرسیده است...

استاندار از ما می‌خواستند که ما دستور بدهیم نیروهامان از درگیری دست بردارند و ما هم همین دستور را به دیگر نیروها می‌دهیم. البته در عین حال به جای اینکه نیروها به جای خود برگردند، هلیکوپترها می آیند و مردم را می‌کوبند. حالا یا آقای استاندار حُسن‌نیت‌شان تمام شده یا مقامات ارتشی به حرف‌شان گوش نمی‌دهند، برای من روشن نیست... آقای رئیس‌جمهوری حسن‌نیّت از خود نشان داده‌اند و روی خواسته‌های برحق، به‌خصوص در مورد این خواست جزئی که حزب دمکرات دیگر

منحله اعلام نشود، و ایشان تعجب کرده بودند که چطور حزب دمکرات کردستان که رهبری امام را قبول دارد و جمهوری اسلامی را قبول دارد، غیررسمی باشد... شاید حرف ایشان در شورای انقلاب پذیرفته‌نشده باشد؛ ولی آقای **بنی‌صدر** در پیام‌نوروزی‌شان حرف‌هایی زدند که متأسفانه با گزارش هیئت نمایندگی ما کمی تفاوت داشت؛ یعنی به نیروهای سیاسی و مردم کردستان تا حدودی حمله کرده بودند... من فکر می‌کنم دست‌هایی از سپاه پاسداران و استاندار کرمانشاهان باشند. گویا استاندار کرمانشاهان خودش سردستهٔ این‌ها است و یک عامل مهمی در این موضوع است...

تا زمانی که **ظهیرنژاد** فرمانده ژاندارمری نشده بود، چنان که دیدید این منطقه آرام بود؛ ولی چون ظهیرنژاد دوباره به فرماندهی کل ژاندارمری رسید، این نتیجه دوباره تشنج یافت و ظهیرنژاد با عوامل خود چون **حسنی**، **معبودی** و **هادی‌خواه**، منطقه را به خاک و خون کشیدند و نتیجه‌ی آن امروز دیده می‌شود که در منطقه‌ی قلاتان و جلیلان در میان نقده و اشنویه ـ ارومیه، هفت نفر از افراد مسلح و هفت نفر دیگر از افراد اکراد کشته شدند و هم‌چنین چهار ماشین پر زخمی از مجاهدین ارومیه، به بیمارستان‌های ارومیه منتقل شدند، و ما هیچ نمی خواهیم که چنین باشد و باعث این جنگ‌افروزی‌ها را از **ظهیرنژاد** می دانیم.»

[**از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۱/۹**]



برمزار شهدای فاجعه قلاتان

عکسهای فاجعه «قلاتان»

بارهیگر عوامل جنگ‌افروز ارتجاع درکردستان فاجعه‌آفریدند. اینبار توپ، تانک، طیکوپتر و فانتوم های نیرو مزدور ملاحسنی برای نشان‌دادن وقالت خود باتیر بجان مردم بیدفاع روستان قلاتان، در نزدیکی اشنویه، افتادند. نزدوران لوله‌های ژ-۳ رادر دهان مرد، گذاشته و مغز و کاسه سر آنها رامنفجر کردند. با تیر پای پیرمردی را قطع‌کردند. مردم‌می‌گفتند که مزدوران دختربچهٔ کوچکی راباتیر قطعه‌قطعه کرده و دستها و پاهای او را درون دیگی ریختند. این پیروزی‌ها رابه هیات حاکمه که دست روی دست گذاشته و آن جریانات را تماشامی‌کند تبریک می‌گوئیم.

هفتهٔ گذشته مردم کردستان، در سالروز شهادت قاضی محمد، بر مزار شهدای قلاتان جمع‌شده و خشم‌واندوه خود را نشان دادند. این وظیفهٔ هر میهن‌پرستی ست که درغم مردم کردستان شریک باشد.

عکس‌ها از کاوه











۵ـ نتیجه انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی در حوزه انتخابیه تهران، شمیران و شهر ری (مرحله اول)

در مقطع برگزاری این انتخابات، جمعیت تهران حدود ۴ میلیون نفر بوده است. اما اینکه جمعیت واجد شرایط رای‌دادن در این حوزه چقدر بوده است، ثبت نشده است. به عبارت دیگر آمار تفکیکیِ دقیق و رسمی از تعداد دقیق واجدان شرایط رأی‌دادن به تفکیک «حوزه انتخابیه تهران، ری و شمیران» در نخستین دوره انتخابات مجلس شورای ملی (اسفند ۱۳۵۸) در اسناد وزارت کشور به صورت مستقل و مجزا ثبت عمومی نشده است. که چندان عجیب نیست، چرا حکومت باید از انتخاباتی سراسر جعل و تقلب (بزرگ‌ترین تخلف اِعمال شده در این انتخابات، دو مرحله‌ای کردن آن بود)، اسنادی برای نسل‌های آینده باقی گذارد؟!!

[**از روزنامه اطلاعات ۵۹/۱/۱۱**]

[بعدالتحریر: در خبری که در روزنامه بامداد به تاریخ ۵۹/۱/۱۱ به چاپ رسیده است، از قول آقای اخباری رئیس هیئت نظارت بر انتخابات تهران اعلام شده «در تهران حدود ۲ میلیون و دویست هزار نفر در انتخابات شرکت کرده‌اند.]

آخرین نتایج شمارش آراء در تهران

آرای ۱۵۳۹ حوزه اخذ رای تهران تا شب گذشته توسط تهرانی فرماندار تهران بشرح زیر اعلام شد :

۱ـ فخرالدین حجازی ۱۱۱٤۹۰۷ رای
۲ـ حسن ابراهیم حبیبی ۱۱۰٤۱۲۵ رای
۳ـ مهدی بازرگان ۱۰۲۹۵۱۹ رای
٤ـ علی اکبر معین‌فر ۱۰۲۵۰۵۱ رای
۵ـ سید علی حسینی خامنه‌ای ۹۷۵۸٤ رای
٦ـ محمد جواد حجتی کرمانی ۹۹۲٦۱۳۱ رای
۷ـ محمد جواد باهنر ۹۸۲۲٤٤ رای
۸ـ سید حسن آیت ۹٦۸۱۰۵ رای
۹ـ علی گلزاده غفوری ۹۵۳۰۳۰ رای
۱۰ـ هادی غفاری ۹۵۰۰۷۷ رای
۱۱ـ سید محمد خوشنی‌ها ۸۸۷۹۲٤ رای
۱۲ـ محمد علی رجائی ۸۵۹۳۹۲ رای
۱۳ـ علی اکبر ناطق نوری ۸۵٤۹۲۵ رای
۱٤ـ اکبر هاشمی رفسنجانی ۸۱۹۹٦۵ رای
۱۵ـ ابراهیم یزدی ۷۹٤٦۸۱ رای
۱٦ـ اعظم علائی طالقانی ۷۸۱۳۰۷ رای
۱۷ـ مصطفی جمران ۷۷۱۹۳٤ رای

حائزین اکثریت نسبی

۱۸ـ عزت‌الله سحابی ۷۵۹٦۸۲ رای
۱۹ـ محسن مجتهد شبستری ٦۷۲۱۲۵ رای
۲۰ـ یدالله سحابی ٦۱۷۵۷۲ رای
۲۱ـ کاظم سامی ۵۹۷۱۹۳ رای
۲۲ـ گوهرالشریعه دستغیب ۹۷۱۹۳رای
۲۳ـ هاشم صباغیان ۵٦٤۵۷۱ رای
۲٤ـ علی اکبرو لایتی ۵۳۹۳٦۸ رای
۲۵ـ محمد توسلی حجتی ۵۳٦٤۰۲ رای
۲٦ـ محمد علی هادی نجف آبادی ۵۲۲۵٤۲ رای
۲۷ـ حبیب‌الله عسگر اولادی مسلمان ۵۰۵۱۷٤ رای
۲۸ـ عبدالمجید معادیخواه ٤۹۵۵۵۳ رای
۲۹ـ فرشته هاشمی ٤۸۵۹۳۸ رای
۳۰ـ سعید امانی همدانی ٤۵۷۹۷۵ رای
۳۱ـ محمد کاظم موسوی بجنوردی ٤۵٤۱٤۸ رای
۳۲ـ مهدی شاه آبادی ٤٤۵٦۹۰ رای
۳۳ـ سید محمد باقر حسینی لواسانی ٤۳۳٦٦٦ رای
۳٤ـ محمد مبلغی اسلامی ٤۲۱۳۵۹ رای
۳۵ـ سیف‌الله وحید دستجردی ٤۲۱۷۸۹ رای
۳٦ـ سید فتح‌الله بنی‌صدر ٤۱۰۱٦۷ رای
۳۷ـ مسعود رجوی ۳۹۲٦۰۵ رای
۳۸ـ محمد رضا توسلی ۳۷۵٦٦٤ رای
۳۹ـ اسدالله لاجوردی ۳٦۷۱۱۸ رای
٤۰ـ سید رضا زواره‌ای ۳٤۲۳۸۰ رای
٤۱ـ احمد مولائی ۳٤۰۰٤۵ رای
٤۲ـ نجفقلی حبیبی ۳۳۰۸۱۳ رای
٤۳ـ عبدالعلی بازرگان ۳۲۲۵۰٦ رای

بیش از ۱۵۰۰۰۰ رای

٤٤ـ مهدی ابریشمچی ۲۸۹۵۳۸ رای
٤۵ـ مامنیر رضائی ۲۸٦۷٤٤ رای
٤٦ـ حسن توانائی‌فرد ۲۸٦٦۷۱ رای
٤۷ـ حسین کمالی ۲۸۱۸۵۱ رای
٤۸ـ مصطفی کتیرائی ۲۷٤٤۹۰ رای
٤۹ـ سید عبدالکریم لاهیجی حسینی ۲۷۳۰۰۱ رای
۵۰ـ مریم اعلائی طالقانی ۲٦۵۹۸۲ رای
۵۱ـ علی صادقی تهرانی ۲٦۰۸۲٤ رای
۵۲ـ اشرف ربیعی ۲۳۳۹٤۸ رای
۵۳ـ عذرا اعلائی طالقانی ۲۲٤۱۸٤ رای
۵٤ـ عباسعلی داوری فیض‌پورآذر ۲۲۰۱٤۲ رای
۵۵ـ محمد ملکی ۲۰۹۸۳۹ رای
۵٦ـ علی محمد تشید ۲۰۷۰۹۲ رای
۵۷ـ سید محمود کاشانی ۲۰٤۵۷۵ رای
۵۸ـ پرویز یعقوبی ۲۰٤٤۷۷ رای
۵۹ـ محمد میر شانه‌چی ۲۰۳۵٤۱ رای
٦۰ـ مهدی هادوی ۱۹۷۹۳٤ رای
٦۱ـ علی اصغر مروارید ۱۹۳۹۳۳ رای
٦۲ـ مجید معینی ۱۹۳٤۸۲ رای
٦۳ـ علی اکبرپوراستاد ۱۸۰۱۷۹ رای
٦٤ـ مهدی ممکن ۱۷۹۷٤٦ رای
٦۵ـ عباس‌آگاه‌اسماعیل‌زاده ۱۷۵۳۳۱ رای
٦٦ـ رقیه دانشگری ۱٦۷۲٦۳ رای
٦۷ـ مصطفی مدنی ۱٦٤۹۱۸ رای
٦۸ـ مریم قجرعضدانلو ۱٦۳٦٤٦ رای
٦۹ـ سید محمدسیدی‌کاشانی ۱٦۳۵۲۳ رای
۷۰ـ علیرضا جعفری‌منصوری ۱٦۲۳۳٤ رای
۷۱ـ معصومه شادمانی ۱۵۲۷٤۱ رای
۷۲ـ منوچهر هزارخانی ۱۵۱۷۰۳ رای

تهرانی فرماندار تهران در گفتگوئی با اطلاعات اظهار داشت تاصبح امروز آقایان فخرالدین حجازی و حسن ابراهیم حبیبی انتخابشان برای نمایندگی مجلس شورای ملی قطعی شد و در این‌مورد سایرکاندیدا ها هم از امشب به بعد مشخص خواهد شد .

۵ـ بهروز ماکوئی

[استاندار کرمانشاه از تاریخ ۵۸/۱۱/۲۵ تا ۵۹/۷/۱۴ (در دوران ریاست جمهوری بنی‌صدر)]

ماکوئی سومین استاندار کرمانشاه پس از انقلاب، با احتساب عبدالمجید ایران‌نژاد و محمد سپهری‌پور بود.



ـ اطلاعات سپاه در آذرماه ۱۳۶۱ یک تیم تروریستی به فرماندهی بهروز ماکویی که از افراد آموزش‌دیده‌ی تروریستی و از افراد نزدیک به بهزاد نبوی و چمران بود را به ترکیه فرستاد تا به فرانسه منتقل شود. هم‌زمان دو تروریست را برای شناسایی به منطقه اور سوراواز محل اقامت مسعود رجوی، مسئول شورای مقاومت، فرستاد که در مراحل اولیه این طرح لو رفت و امکان اجرا پیدا نکرد.

ـ فصل یازدهم کتاب حسن روزی‌طلب، تحت عنوان تأسیس نهادهای

امنیتی در جمهوری اسلامی، در بخش «گروه‌های هفت‌گانه»، درباره شکل‌گیری **گروه فلق** توضیح می‌دهد و نام بهروز ماکویی را در فهرست اعضای اصلی آن می‌آورد. طبق روایت همین کتاب:

هسته اولیه از اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویانِ شاخه شمال کالیفرنیا شکل گرفت. اعضا در ۱۴ مهر ۱۳۵۷ در پاریس با آیت‌الله خمینی دیدار کردند. کتاب می‌گوید به توصیه او از مبارزه مسلحانه و استفاده از سلاح پرهیز کردند. (البته قبل از انقلاب توصیه به مبارزه مسلحانه علیه شاه نمی‌شد. بعد از انقلاب برای کشتار مردم و ترورهای سیاسی استفاده از سلاح کاملا مجاز شد) **مسجد لرزاده** در تهران محل اصلی فعالیت گروه معرفی شده است. **بهروز ماکویی** در کنار حسن واعظی، **مصطفی تاج‌زاده** و چند نفر دیگر در فهرست اعضای اصلی آمده است.



مدارکی که نمایندگی
آقای بهادران را تأیید میکند

به دنبال انتشار مکتوب نامه از دفتر محبت وزیری و سرلشکر محمد حسین باکری رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اظهارات مهدی بهادران کلیه نمایندگی از طرف امام در کردستان رشد اسنادی به دفتر روزنامه انقلاب اسلامی رسیده است که نمایندگی آقای بهادران را تائید میکند.

اسنادی است از طرف آیت‌الله منتظری به عنوان حاج‌مهدی بهادران:

بسمه‌تعالی

جناب مستطاب حاج مهدی بهادران دام‌توفیقه پس از سلام در انجام دستوری که حضرت آیت‌الله العظمی آقای حسینی به جنابعالی داده‌اند تشریح کنند امضای شخص حضرت آیت‌الله حسین‌علی منتظری.

ب. نامه‌ایست از آیت‌الله منتظری که به امام نوشته شده است به تاریخ ۱۱ شعبان ۹۹ بسمه‌تعالی محضر مقدس آیت‌الله‌العظمی.

پس از سلام جناب مستطاب حاج مهدی بهادران برحسب دستور حضرت عالی به کردستان رفتند ولی همه گرفتاریهائی که داشتند چند روزی ماندند و گزارش دهند مقتضی است حضرت عالی به دقت مورد توجه قرار دهید وسپس خود آنان در منطقه آشنایان زیادی دارند که می‌توانند خدماتی به نحو انجام دهند

ب. حسین‌علی منتظری.

متن دستخط حضرت آیت الله منتظری پیوست است. علاوه برآنها نامه‌ای نیز از خود آقای بهادران به دفتر روزنامه رسیده است که آنرا در شماره فردا درج خواهیم کرد.

بسمه تعالی

دادرسی انقلاب جمهوری اسلامی

اورمیه

بنای حتمی امارات شیوعشان نقده و توابع

چون شنیده شده عده‌ای ضد انقلابی در شیوعشان نقده و توابع آن دست به آدمکشی و آدمکشی و غارتگری و آتش‌سوزی زده‌اند چون آقای مهدی بهادران نماینده ویژه امام خمینی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعزامی از تهران — لازم است نهایت اهتمام خمینی که طرفدار از حقوق مستضعفین است در این راه انجام وظیفه نماید امید است در حد میزه با ایشان همکاری نموده و دیگران با گله آقای بهادران احتمار نموده تحویل سپاه پاسداران دهید که میزه — نظر امام خمینی و خواهد متعال است.

[**از روزنامه انقلاب اسلامی، ۱ آبان ۱۳۵۸**]

٦ـ مدارکی که نمایندگی آقای **مهدی بهادران** را تائید و دروغ تیمسار جنایتکار **ظهیرنژاد** را برملا می‌کنند!

۷ـ «پاکسازی» یعنی اعدام دختران زندانی!!

اواخر اردیبهشت که جنگ تقریبا داشت تمام می‌شد، ۲۵ نفر از دختران کمتر از ۱۸ سال کُرد دستگیرشده ـ اکثرا آنان ـ به دستور **هادی غفاری** اعدام شدند... آنها را در گروه‌های ۷ یا ۸ نفری به فرودگاه سابق که پشت زاغه مهمات است بردند تا اعدام کنند.



«پاکسازی» یعنی اعدام دختران زندانی!!

ممنی که ملاحظه می کنید عین قسمتهائی از رساله ـ ایست که یک سرباز رسوای ما از سال گذشته ... مطالعه آن ما را نسبت به اعمال جنایتکارانه سران کوتاه فکر کرد آشنا می سازد .

... تا بع سودگه آخوندی به دادگاه آمده ، همه می گفتند حلقالی است ، اما وسوسه بلکه رئیس دسته ارتجاعی سودگه برای اعدام کردن آمده بود . (خبره هادی غفاری را مردم اسران هنگام پا رخوئی ارتش دختر در شلوار سرخ صدا خنده کرده بود ـ پیکار) . او اخر اردیبهشت که جنگ تقریبا تمام شده ، ۲۵ نفر از دختران کمتر از ۱۸ سال کرد دستگیر شده ـ که اکثر آنان ـ بدستور "هادی غفاری" اعدام شدند (تا دو هفته پیش حدود ۱۲ نفر اعدام شده اند ـ پیکار) . آنها را در گروههای ۷ یا ۸ نفری به فرودگاه سابق که پشت زاغه مهمات است بردند تا اعدام کنند .

روز ۲۹ اردیبهشت هادی غفاری ۳ دختر خیلی جوان و ۲ پسر را اعدام کرد . آنها را وا با وقاحت تمام می گفت : همه این دخترها حامله هستند . آنها زنا کارند . ما هر شب تعدادی از آنها را اعدام می کنیم ! آنگاه خود او و یا سداران مردور ، دختران بیدفاع را با ماشین سه فرودگاه سرده و به جوخه های اعدام شان سپردند !!

با همه ممی ترسم دن خبا با ب مرتجعین ، از مقاومت مرسل اسلامی ارتش با گرده وخشن ادامه می دهد :

"سربازان و درجه داران اسلامی سوی فرماندهان مردور شلیک می کردند ، که در یکی از این سوء قصد ها مرکز ده سرپرست کشته شد ، در هفته های اول جنگ کمتر بدست سربازان اسلحه می دادند ، واگر هم می دادند ، غلط سلاحهای غیر قابل استفاده بود . اما بعدا چون دیدند این وضع ممی تواند ادامه یابد ، این دستور لغو شد" ■



روز ۲۹ اردیبهشت **هادی غفاری ۳** دختر خیلی جوان و ۲ پسر را اعدام کرد. این بار او با وقاحت تمام می گفت: «همه این دخترها حامله هستند. آنها زناکارند. ما هر شب تعدادی از آنها را اعدام می کنیم.»

[**از نشریه «پیکار»، شماره ۵۹**]

۸ـ شهین باوفا در سال ۱۳۲۶ در محله جورآباد سنندج به دنیا آمد. دوران تحصیلات‌اش را در دبیرستان پروین اعتصامی به پایان رساند و سپس برای ادامه تحصیل وارد مدرسه عالی پرستاری گیلان شد. پس از پایان دوران تحصیلات در سال **۱۳۵۲** به استخدام اداره بهداری استان کردستان در آمد و در بیمارستان پهلوی سابق سنندج مشغول به کار شد. وی بعد از مدت زمانی کوتاه به دلیل احساس مسئولیت و پشتکار زیاد در محیط بیمارستان، از سوی اداره بهداری استان برای یک دوره‌ی تحقیقی چند ساله جهت ادامه تحصیل به مرکز پزشکی داریوش کبیر وابسته به دانشگاه تهران فرستاده شد.

شهین باوفا پس از اتمام این دوره مجددا به بیمارستان پهلوی سنندج بازگشت و در سمت سوپروایزر و مسئول بخش مشغول به کار شد.

پس از پایان درگیری‌ها و خروج نیروهای پیشمرگ از شهر در یکی از شب‌های اواسط خردادماه **۱۳۵۹** مزدوران سپاه و وزارت اطلاعات شهین باوفا را در منزل دستگیر کرده و با خود می‌برند.

سرانجام شهین باوفا در یک دادگاه چنددقیقه‌ای به‌اتهام: «***خرابکاری در انجام مسئوولیت‌های محوله***» محکوم و در شبانگاه ۲۴ خرداد سال **۱۳۵۹** به همراه دو تن از فعالان سازمان چریک‌های فدایی خلق، جانباختگان **فرشته گل‌عنبریان** و **غلامرضا خاکباز** در محوطه دادگاه انقلاب سنندج در برابر دیدگان جمعی از زندانیان سیاسی تیرباران شدند.





ـ خبر اعدام خانم شهین باوفا در هفته نامه فرانسوی اکسپرس به شرح زیر منتشر شد: «روز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۹، دو خبرنگار مجله اکسپرس، کریستیان هش و ژاک هایو، مخفیانه وارد شهر سنندج شدند. این شهر چند هفته بود که شب و روز بمباران می‌شد... در محیطی آمیخته با خون و مرگ (دو روزنامه‌نگار) به گفتگو با زن جوانی با لبخند و صدایی ملایم نشستند. نامش شهین باوفا بود و مسئول بیمارستان شهدای سنندج. او از جنون پاسداران سخن گفته بود که شهروندان غیرنظامی را بمباران می‌کردند... سپس اطاق عمل را به مخبرین نشان داده بود که هدف یک بمب قرار گرفته و منهدم شده بود. شهین باوفا همچنین به آنان گفته بود که نیروهای جمهوری اسلامی به آمبولانس ها تیراندازی می‌کنند و...

هنگامی که خبرنگاران بیمارستان را ترک می‌کردند، خانم باوفا از آنان قول گرفته بود که پریشانی و فریاد اعتراض او را به گوش افکار عمومی غرب برسانند وی همچنین از آنان خواسته بود که نامش را ذکر کنند تا گزارش‌شان با بدگمانی روبه‌رو نشود. خانم شهین باوفا به مخاطبین خود که برای حفظ امنیت‌اش به او توصیه کرده بودند از افشای نامش خودداری کند گفته بود که شهادت با نام و نشان از سندیت بیش‌تری بهره‌مند است.

۹ـ رفیق غلامرضا خاکباز

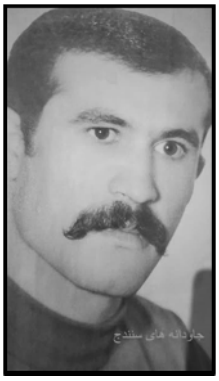

غلامرضا در دی ماه ۱۳۲۸ در سنندج به دنیا آمد. غلامرضا بعد از کلاس نهم دبیرستان عملا وارد بازار کار شده بود. بعدا که در بیمارستان توحید شهر سنندج استخدام شد توانست در ضمن کار کردن تا مقطع دیپلم ادامه تحصیل دهد و مسئول تاسیسات حرارتی بیمارستان شود.

ایشان از اوایل سال ۵۴ به عنوان هوادار سازمان چریک‌های فدایی خلق فعالیت تشکیلاتی خودش را آغاز کرده بود.

غلامرضا به همراه مردم سنندج و بقیه جوانان انقلابی شهر در جنگ ۲۴ روزه سنندج (اردیبهشت ۵۹)، به صورت مسلحانه در دفاع از مردم شهر

که به طور وحشیانه از طرف رژیم از زمین و هوا مورد یورش قرار گرفته بودند فعالانه شرکت داشت. بعد از عقب‌نشینی جوانان و سازمان‌های مسلح، غلامرضا به دستور سازمان چریک‌های فدایی خلق برای کار تشکیلاتی مخفی در شهر ماند.

بعداز اینکه سرکوبگران رژیم سرمایه‌داری اسلامی وارد شهر سنندج شدند، یک مزدور محلی به نام داریوش چپاریان معروف به داریوش کور، غلامرضا را دستگیر کرد. او را در دادگاه صحرایی و بدون داشتن حق دفاع محاکمه و به اعدام محکوم کردند. غلامرضا یازده روز پس از دستگیری در تاریخ ۵۹/۳/۲۴ در محوطه دادگاه انقلاب اسلامی سنندج، به همراه **فرشته گل‌عنبریان** و شهین باوفا به دست دژخمیان حکومت جهل و سرمایه اسلامی تیرباران شد.